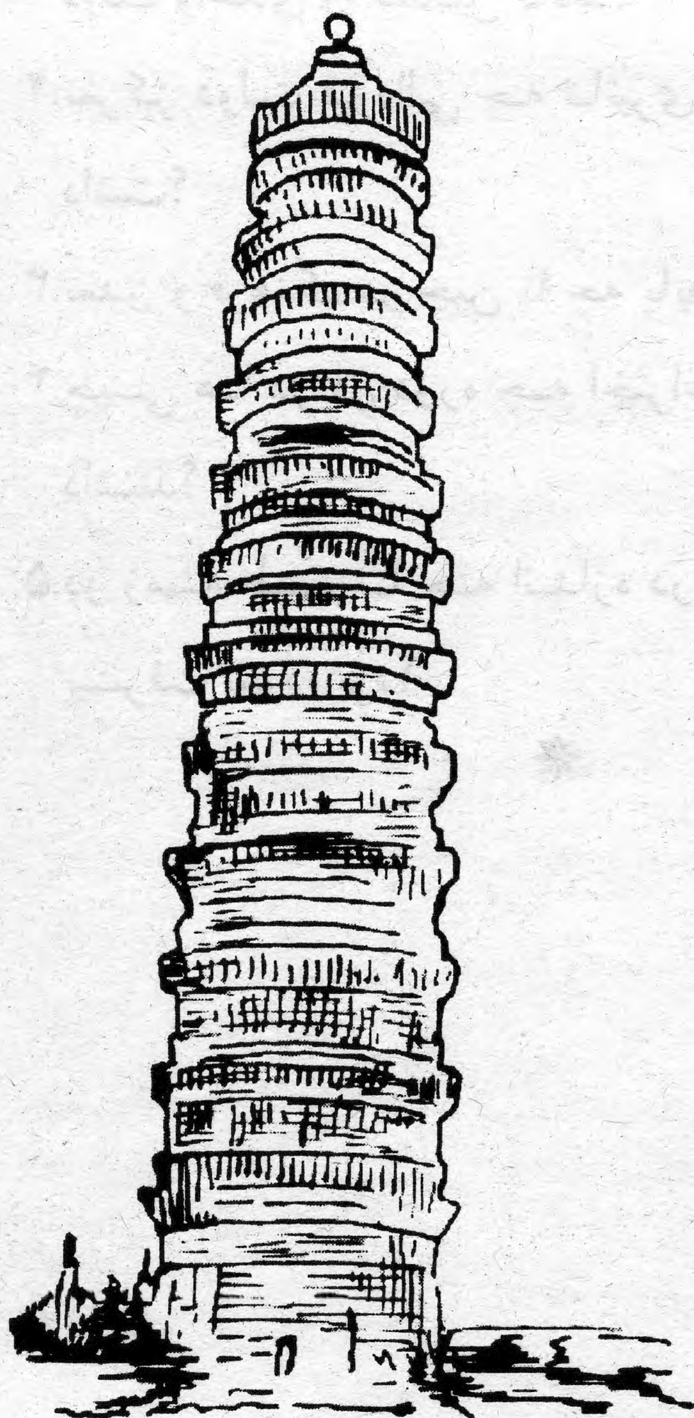
در قرن ۸میلادی در پایتخت چین روز نامه ای (اخبار پایتخت) چاپ میشد. که در آن فرامین امپراتوری ووقایع مهم روز نشر میگردید.چینی ها باروت را نیز اختراع کردند. که ابتدا از آن در آتش بازی و بعد ها در امور نظامی و عسکری کار میگرفتند.

در قرن ۱۱ میلادی در یانوردان چینی از قطب نما استفاده نموده و سمت حرکت را در بحر توسط آن تعین می نمودند.

معماری و رسامی:

نظر به اداره امپراتوران و فرمایش فیودالان قصر های عمارت ها در چین چندین طبقه ساخته می شد. از چوب، سنگ، برونزو آهن بحیث مواد ساختمانی استفاده میشد. تعمیرها با کندنکاری ها تزئین می یافتند .رسامان در مکتب های مخصوص درس میخواندند. ایشان در روی تکه های ابریشمی بااستفاده از رنگ های مختلف تصویر های زیبایی را نقش میکردند. در پایتخت نمایشگاه رسامی رسامان ماهر وورزیده بر گذار میگردید. در قرون وسطی

چینی ها به پیشرفت های بزرگی در علم، تخنیک و صنعت نایل گردیده بودند.



پرسشهای فصل

۱.فیودالان در کدام قرن و بخاطر چه متحد شدند و دولت واحدی را تشکیل دادند؟

۲.تمرکز دولت فیودالی چه تاثیری بر زندگی دهقانان داشت؟

۳.تمدن و فرهنگ در چین تا چه پایه رشد نموده بود؟

۴.چینی ها در آن دوره چه اختراعات و اکتشافاتی داشتند؟

۵.در زمینه طب تا چه اندازه در آن دوره چینی ها پیشرفت نموده بود؟



هند

ساختمان جامعه هند بر اساس طبقات و وجود کاست ها (صنف بندی) بنا شده بود. طبقه حاکمه و کاست های ممتاز "برهمن" ها و "کشاتریا" ها بودند. این دو طبقه دیگران را پست تر می شمردند.

وجود چنین سیستم فقر و ناداری شدیدی را براکثریت مردم تحمیل نموده بود. دهقان ها زیادتر ازنصف محصول خود را برای طبقه های ممتاز می دادند. و برای اعمار کانالها، قصر ها، ساختن سرک ها و دیگر کار های شاقه نیروی دهقان ها به بیگارگرفته می شد.

طبقه های ممتاز همیشه بر سر آقایی و اولویت یک طبقه با هم اختلاف وجنگ داشتند. طبقه پائین (شودرا ها) از ظلم و تعدی های طبقه ممتاز به تنگ آمده بودند.تنها تسلی آنان در قبال این همه تجاوزات گریه و اشک چشم بودو بس.

منازعات داخلی و جنگ و جدال های طبقات ممتاز وحدت ملی هند را از بین برده بود. و این شرایط زمینه مناسبی را برای تجاوز و استیلای قدرت های خارجی فراهم نموده بود.

تأسیس دولت های اسلامی درهند:

در اوایل قرن هشتم میلادی لشکریان عرب به مناطق حوزه سند حمله کرده و قسمت جنوبی وادی سند را جزء قلمرو خلافت ساختند. حکمرانان هندی به زودی متحد شده و از نفوذ اعراب به سایر نقاط هند جلوگیری نمودند. متوقف ساختن اعراب دروادی سند به راجه های هند فرصت داد تا قدرت مدافعه و مقابله خود را بلند ببرند.

استیلای اعراب در هند محدود بوده و صرف قسمت های شمال غربی را در برمیگرفت.

بعد از تجزیه خلافت اعراب در سر زمین خراسان (افغانستان کنونی) دولت قوی بوجود آمدکه مرکز آن در غزنی بود. یکی از مقتدرترین شاهان این دولت سلطان محمود نام داشت. که هفده مرتبه به هند لشکر کشی نمود.

در اثر حملات محمود تمام قسمت های شمال و شمال غربی هند به ویرانه ها تبدیل شد.

در اوایل قرن ۱۳در قلمرو فیودالی مسلمان در شمال هندوستان دولتی بوجود آمد که مرکزآن دهلی بود. حکمرانان این دولت بنام سلاطین دهلی یاد میشدند. و قسمت زیاد هندوستان زیر تصرف شان قرار داشت.


بابر

در سال ۱۵۲۶ بابر که از نوادگان تیمور و مادرش هم از اعقاب چنگیز بود. پیروز مندانه وارد هند شد و یک امپراتوری بزرگ تشکیل داد که بنام امپراتوران مغل هند شناخته شد. بابر بیش از چهار سال در هندوستان حکومت نکرد اما امپراتوری که اوتاسیس کرد پیش از دوصد سال

دوام یافت.وی کتابی دارد به نام بابر نامه که در واقع خاطرات او است. این کتاب به زبان چغتایی نوشته شده است.

اقتصاد و فرهنگ:

در افسانه های مردم مشرق، هندوستان ثروت زیاد و فراوان داشت، در غرب راجع به ثروت و دارایی راجا های هندی افسانه های وجود داشت.

دارایی و ثروت مردم هند را مردم زحمتکش هند بوجود می آوردند. دهقان ها کانال ها اعمار کرده و زمین های بایر را اعمار و آبیاری میکردند. این دهقان ها در زمین های زراعتی برنج، پنبه، نیشکر، و نبات های طبی کشت میکردند. زمین های آبی در یک سال دو سه مرتبه حاصل میدادند. مردمان همسایه از دهقان های هندی طریق زرع و حاصل برداری پخته و برنج را می آموختند.

کسبه کاران یا پیشه وران هندی مهارت و شهرت زیاد داشتند. زرگران از طلا ونقره زیورات وظروف می ساختند. آنان سنگ های قیمتی را به مهارت خاص تراش و صیقل

نموده زیورات و ظروف زیبا و قیمت بها می ساختند. از استخوان دندان فیل (عاج) و چوب های سخت مجسمه ها و آلات بسیار قیمتی می ساختند. در دستگاه های بافندکی تکه های بسیار نازک و نفیس بافته می شد. در آن زمان تکه های بنام " آبشار" و "شبنم" بسیار شهرت داشت.

روابط با ممالک دیگر:

در ساحل غربی هند بنادر زیادی بوجود آمد.یکی از بزرگترین آنها بندر کالی کوت بود. حکمران کالی کوت بنام امیر البحر یاد می شدند. حکمران کالی کوت دارای نیروی دریایی قوی بودند. و از مقتدرترین راجا های هند در سواحل غربی به شمار میرفت. در بازار های پرنفوس و بندر های شهر های ساحلی اموال و تولیدات داخلی و خارجی به فروش میرسید تاجران تکه، نبات های طبی، رنگ، زیورآلات و لوازم مزین چوبی از چین، افریقا و عربستان به هند می آوردند.

نقش عمده را در تجارت با هند تجار عرب بازی میکردند. آنها راه های تجارت هندوستان را در اختیار داشتند در بندرهای هندی عرب ها به صورت دایمی بود وباش داشتند.

انکشاف علم و هنر:

هندی ها در رشته ریاضی، ستاره شناسی و طب به موفقیت های بیشتری دست یافته بودند.در بعضی شهر های هند رصد خانه های وجود داشت که تا امروز باقی مانده است. ستاره شناسان ثابت کرده بودند که زمین کروی بوده و به دور محورخود میچرخد.

طبیبان هندی عملیات کاسه سر را انجام داده می توانستند قبل از عملیات داروی بیهوشی استعمال کرده و در جریان عملیات از آلات و سامان های مغلق و پیچیده کار می گرفتند.

معماران هندی از سنگ و خشت در معابد، منارها و برج های بلند می ساختند. اغلب اوقات معابد درکوهها و مغاره های بزرگ ساخته می شد. یکی از بزرگترین این

معابد معبد (اجنتا) است که درهند مرکزی قرار دارد و در قرن شش میلادی ساخته شده است.دیوار های این معبد با نقاشی های برجسته و تصاویر تزیین شده بود.ازروی این تصاویر زندگی هندی های آن وقت را میتوان مطالعه نمود.

در داخل معبد ستون های عظیم تزیین شده قرار دارد هم چنان درداخل معبد مجسمه های بزرگ خدایان هندی از مس و سنگ ساخته شده قرار داده میشد. برای اینکه مردم از خداها بترسند مجسمه های خدایان را باچندین سرو دست میساختند مردم در معابد خوراکه ها و نذر ها آورده قربانی میکردند. موسیقی نوازان و رقاصان بوسیله ساز، آهنگ و رقص می خواستند خدارا خوشنود سازند.

هیکل تراشان یا مجسمه سازان هندی مجسمه های بسیار زیبای حیوانات را می ساختند. در نزدیکی عبادتگاه ها و مقبره ها مجسمه های فیل و دیگر حیوانها قرار داده میشد.

ایمان واعتقاد به نفس چیز بزرگی است و این ثمرات عالی را به وجود آورد. هم چنین اسلام پیام برادری وبرابری را برای تمام مردم همراه داشت. بدینقرار یکنوع دموکراسی برای مردم به وجود میآورد، این پیام برادری وبرابری اسلامی نه فقط برای عربها بلکه برای مردم بسیار کشور های دیگر هم که مسلمانان به انجا می رفتند جذبهء بسیار داشت.

محمد ص در سال ۶۳۲ یعنی ده سال پس از هجرت در گذشت درحالی که توانسته بود از قبایل فراوان عربستان که دائماً باخود در جنگ بودند ملتی بسازد. و آنها را ازشور وشوق خدمت در راه یک هدف بزرگ سرشار بسازد.

تاریخ نویسان و نسب دانان عرب اجداد آن بزرگوار را در روزگار سختی پناهگاه مردم و در هنگام مشورت امین آنها و در زمان قحطی تأمین کننده خوار بار بینوایان معرفی کرده اند.

آنان هرگز بت نپرستیدند واز میگساری و گناهان بزرگ بر کنار بودند و حرمت ماه های حرام را رعایت میکردند.

خدمات علمی و فرهنگی حکمرانان مسلمان هند:

در میان خدمات حکمرانان مسلمان به شبه قاره هند، کوشش های شان برای توسعه فرهنگ و ادب جای خاص خود را دارد. در این دوره زبان فارسی، زبان رسمی کشور و زبان دانشمندان و طبقه تحصیل کرده بود. نویسندگان مسلمان هند آثاری بسیار با ارزشی را در این زبان منتشر ساختند اولین شاعر پارسی گوی هندی امیر خسرو بود و پس از وی عده زیادی از شاعران پارسی گوی درهند ظهور کردند که میرزا غالب شاعر قرن دوازدهم و علامه اقبال لاهوری شاعر معاصر را از میان آنها میتوان نام برد. از دیگر شاعران پارسی گوی هند باید به "بیدل " اشاره کرد که به زبان ترکی و فارسی شعر میگفت و سبک وی در میان شعر دوستان معروف گشت.

در این دوره کتابهای بسیاری از زبانهای سانسکریت و عربی به زبان فارسی ترجمه شد. این ترجمه ها به غنای زبان فارسی افزود.عبدالحمید و عبدالغفور دو مورخ پاکستانی مینویسند:

بزرگترین سهم مسلمانان به ادبیات هند و پاکستان اهمیتی بود که آنان برای زبانهای محلی نظیر پنجابی،هندی و بنگالی قایل شدند و ارزش آنها را تا حد زبان سانسکریت بالا بردند و شاید بزرگترین خدمتشان به زبان و ادبیات، توسعه دادن و متداول ساختن زبان اردو بود.

تاریخ نویسی:

قبل از تشکیل حکومت مسلمانان مغولی درهند هیچ سندی تاریخی قابل ذکری در این سرزمین وجود نداشت. هندو ها در شبکه پیچیده ای از عقاید و اندیشه های خرافاتی بسر میبردند. آنها به نگارش تاریخ اهمیتی نمی دادند.

آشنایی هندو ها با تاریخ فقط از طریق کتاب های مذهبی آنان نظیر "وداها" بوراناهاو "او پانیشاد" ها امکان پذیر بود. با مطالعه عمیق این آثار شناخت سطحی از زندگی اجتماعی و سیاسی هندو ها در طول تاریخ امکان پذیر بود اما نه اینکه بتوان تاریخ منظمی از آنها درک کرد.

مسلمانان بر عکس به ثبت توالی تاریخ وقایع و حوادث علاقمند بودند. آنان نه تنها سازندگان تاریخ بسیاری از سر زمین ها بودند بلکه تاریخ زندگانی آنان را نیز برشته تحریر در آوردند. جغرافیه دانان، سیاحان و مورخان مسلمان مطالب بسیاری درباره هند نوشتند.در واقع از طریق کوشش مورخان مسلمان بود. که ارزش واقعی فرهنگ هندی به بقیه جهان شناسانده شد.

یکی از دانشمندان بزرگ مسلمان که قبل از حکومت مغولان مسلمان، در باره هند وکیش هندو تحقیق ارزنده و جالبی کرد ابوریحان البیرونی (۴۴۰-۳۶۲هجری قمری) ریاضی دان، ستاره شناس، جغرافیه دان و مورخ اسلامی بود.

ابوریحان بیرونی در شهر خوارزم بدنیا آمد و دوران کودکی خود را در خوارزم گذراند.او ۲۵ ساله بود که از خوارزم به خراسان و از آنجا به ری و طبرستان (مازندران کنونی) و جرجان رفت. در نخستین سالهای قرن پنجم هجری سلطان محمود غزنوی خوارزم را تصرف کرد. و از چند تن دانشمندان، از جمله بیرونی، خواست که به غزنه

بروود بیرونی به غزنه رفت و تا پایان عمر دردستگاه غزنویان ماند گار شد. چند بار سفرهای کوتاهی به وطن خود خوارزم کرد. در بیشتر جنگ های سلطان محمود در هند همراه او بود. مقصود بیرونی از این سفر ها آشنایی با فرهنگ هند بود.

بیرونی در مدتی که در هند بود چند کتاب با ارزش در باره ریاضی و فلسفه و پزشکی ازسانسکریت به عربی ترجمه کرد. طول و عرض جغرافیایی بعضی از شهر های هند را با روش اختراعی و استفاده ازهندسه و مثلثات بدست آورد.

کتاب "تحقیق ماللهند" تالیف بیرونی جامع ترین کتاب عصر قدیم در باره تاریخ، فلسفه، سنتها و اوضاع اجتماعی هند است. کار بیرونی برای نوشتن این کتاب بسیار دشوار بوده است اوگذشته از آموختن زبان سانسکریت، کوشش بسیار در جمع آوری کتابهای هند یان کرد. بیرونی در باره روش تألیف ماللهند می نویسد:

"من این کتاب را نوشتم بی آنکه بهتان و نسبت دروغ بر هندیان ببندم.گفته ها و عقیده های آنها را نقل کردم.

اگر این سخنان در نظر مسلمانان خوش نیاید به آنها میگویم که این عقیده آنها ست. زیرا این کتاب، کتاب بحث و ستیزه جویی نیست تا در آن به رد کردن عقیده بپردازم من میخواهم عقیده هندووان را چنانکه هست بیان کنم و شباهتهای آن را با ملتهای دیگر نشان بدهم."

بیرونی در کتاب مالالهند منبع خبرها و کتابهایی را که از آنها استفاده کرده است. نام می برد.قسمتی از متن اصلی را نوشته خود می آورد تا خواننده گفته او را صحیح بداند.

قبل ازآمدن حکمرانان مغولی مسلمان هند کتابهای مورد مطالعه دانشمندان کتابهای مشهوری چون "تاریخ فیروز شاهی" ضیاءالدین بارنی "طبقات ناصری" و "خزائن الفتوح" امیر خسرو بود. حکمرانان مسلمان مطالعه و بررسی تاریخ راتشویق کردند و ازمورخان می خواستند که کتاب تاریخ بنویسند. از سلسله کتاب های تاریخی که در عصر اکبر شاه نوشته شد می توان از کتاب "منتخب التاریخ" و "اکبر نامه" مورخ معروف هندی ابوالفضل را نام برد. ابوالفضل کتاب دیگری بنام "آینه اکبری" دارد که

تاریخ کامل و دقیق و مفصلی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن دوره است.

در زمان شاه جهان و اورنگ زیب نیز کتابهای تاریخی مهمی تألیف شدند. که بعضی ازمولفان آنها هندومذهب بودند.

کتاب " تزوک بابر" یا کتاب خاطرات بابر نیز از آثار ارزشمند تاریخی محسوب می شود. بابر مهمترین وقایع زمان خود را ثبت کرده است. او زیبایی طبیعت رادر آثار خود ستوده است. نوشته های او قدرتش را در توصیف زیبایهای طبیعی نشان میدهد. این کتاب به زبان ترکی بود و عبدالرحیم خان در زمان اکبر شاه آن را به زبان فارسی ترجمه کرد. جهانگیر نیز همچون بابر شرح زندگی خود را به ترکی منتشر ساخت.

نقاشی:

قبل از حکمرانان مسلمان هنر نقاشی درهند در مراحل ابتدایی خود بود و به نقاشیهای مذهبی خلاصه میباشد. مسلمانان سبک های جدید نقاشی را به هند وارد ساختند.

هنر کشیدن تصویر برای کتابها از ایران به هند وارد شد. زیرا که ایرانیان در این مورد مهارت بسیار کسب کرده بودند.آنها کتاب های بسیار تولید کرده بودند که در هر صحفه نقاشیها و تابلو های زیبا وجود داشت. معروفترین نقاش آن زمان ایران بهزاد بود. نقاشان بسیار سبک های او را تقلید کردند. ودردربار پادشاهان هند تصاویر بسیاری از پادشاهان و در باریان کشیدند.

بابر تابلو های زیادی از بهزاد داشت همایون که پانزده سال از زندگی خود را در ایران بصورت تبعید گذراند. در هنگام بازگشت به هند دوتن از شاگردان بهزاد به نام های خواجه عبدالصمد شیرازی و سید علی تبریزی را با خود به هند برد.آنها مامورشدند که برای کتاب معروف داستان امیر حمزه یکهزار ودوصد تصویر بسازند. البته همایون قبل از اتمام کتاب درگذشت و نقاشان تابلو ها را در زمان سلطنت اکبر شاه به پایان رساندند.

اکبرشاه هنر را دوست میداشت و به هنر مندان احترام میگذاشت. او برای تربیت نقاشان هندی یک گالری تشکیل داد و دو نقاش معروف را به عنوان معلم در آنجا

به تعلیم واداشت.وی از این طریق تابلوسازان هندی را با آخرین فنون نقاشی آشنا ساخت. در زمان اکبرنقاشی بر روی دیوار نیز رسم شد و در زمان شاه جهانگیر توسعه یافت.

خط نویسی:

خط نویسی مانند نقاشی دردوره سلطنت پادشاهان مغولی از اهمیت بر خودار بود.

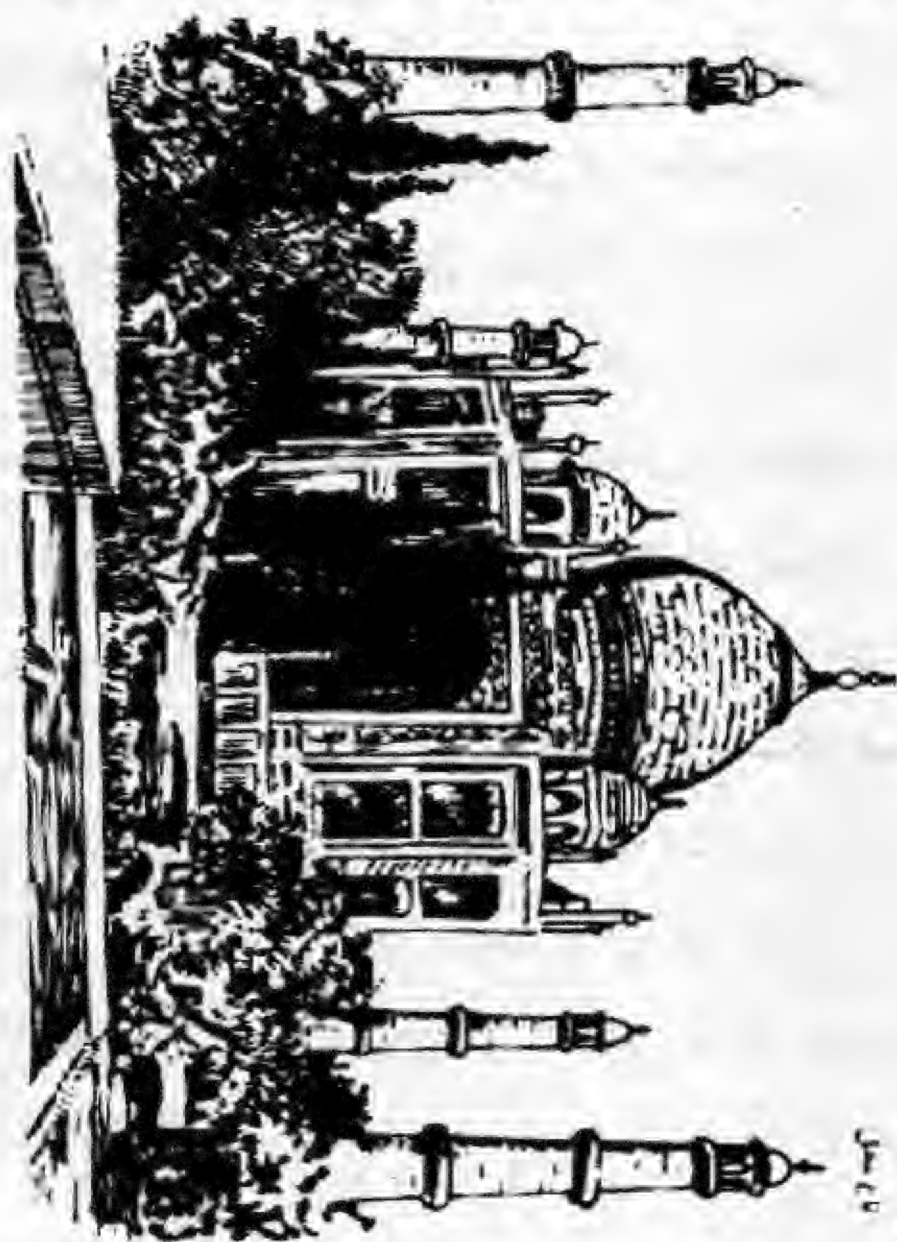
از آنجایی که پادشاهان سلسله گورگانی هند به خط نویسی علاقمند بودند، خوشنویسان در دربار آنها جایگاه و مقام ویژه یافتند و حتی شاهان خود به تمرین خط نویسی می پرداختند. سلطان نصیرالدین محمود خود با خط خوش قرآن نوشت، بابر خطی را پدید آورد که به خط بابری معروف شد. خواجه عبدالصمد شیرازی و سید علی تبریزی گذشته از نقاشی، خطاطان برجسته ای نیز بودند. اکبر، شاه جهان واورنگ زیب خطاطان معروفی را دردربار خود داشتند. اورنگ زیب خود درخط نستعلیق معروف شد و آثار مهمی از خود باقی گذاشت.

معماری:

قبل از حکمرانی پادشاهان گورگانی بیشتر عمارات هند به شکل معابد و مکانهای عبادت هندوان بود. سبک معماری هیچ تنوعی نداشت و همه به یک گونه بودند.در شیوه معماری هندوان، دروسط معبد که معمولا تاریک بود مجسمه مورد پرستش به صورت زن یا مرد قرار می گرفت و پرستندگان هندو یکی یکی به جلوی مجسمه می رفتندو به نیایش مشغول می شدندودر خانه های مسکونی هندوان، اتاق های نشیمن تاریک بود و هوای کافی به آن نمیرسید. بابر پس از فتح شمال هند در خاطرات خود از بناها و قصر های تاریک " راجامان سینک " نام می برد و می نویسد که از تاریکی چشمش جایی را نمیدید. در مقایسه با این بناها، مساجد مسلمانان روشن، بزرگ و از هوای کافی بر خوردار بود.

ازآنجایی که هندوان اجساد مردگان خود را می سوزاندند، تا قبل از ورود مسلمانان مقبره ای در هند وجود نداشت. از این رو همه مقبره های مشهور و آثار تاریخی در هند متعلق به دوره مسلمانان است.

مسلمانان در بناهای خود از آهک و ساروج استفاده میکردند درحالی که هندوان از این مواد آگاهی نداشتند، اطاقهای هلالی و گنبد و مناره نیز از ویژگیهای معماری مسلمانان هند بود. دروازه علائی دهلی نمونه از معماری اسلامی آن دوره است. مسجد فاتح بورسیکری در آگرا نیز



حضرت محمد[ص] در کودکی و جوانی خصلت های داشت که او را از دیگر کودکان جدا میکرد. او با راستگویی و درست کرداری درکودکی نیز معلم بزرگان بود ورفتارش نظر آنهارا به خود متوجه میکرد. در جوانی نیز هرگز گردگناهان معمول آنزمان نگشت خردمند امین و پاک دامن با قلبی درخشان و ضمیری الهی بود. در همان ایام گروه اندکی از مردم خداپرست و از پیروان دین یکتا پرستی شریعت حضرت ابراهیم در مکه بودند که برخی چون عبدالمطلب در غارها و کوهستانها با خالق خویش راز و نیاز میکردند. حضرت محمد[ص] از آن جمله بود که هر سال یک ماه از مردم کناره میگرفت و برای عبادت به غار حرا میرفت.

صفات و خصوصیات ممتازو درخشان آن بزرگوار در جوانی باعث شده بود که مردم به او لقب امین داده و آن حضرت را محمد امین میگفتند.

از معماری های برجسته آن دوره است.

در زمان اکبر شاه سنگ های سرخ در معماری ساختمان بکار میرفت، بیشتر بنا های عصر شاه جهان دردهلی و آگرا ساخته شدند که مسجد جامع دهلی و تاج محل از معروفترین آنها می باشد، به دستور او رنگ زیب مسجد شاهی لاهور ساخته شد که بنای عظیمی از سنک های قرمز و مرمر است. مسلمانان در ساختن بناها شرایط آب و هوا و نیاز های محلی را درنظر داشتند در بنگال شرقی به علت باریدن باران های سنگین در اغلب ماه های سال مساجد دارای گنبد و سقف های با نشیب تند هستند. تردیدی نیست که مشهور ترین بنای آن دوره تاج محل است. که بهترین بنا ها و هنرمندان برای ساختن آن کوشش کردند این ساختمان با سنگ های مرمر و سنگهای قیمتی دیگر ساخته شده است و بیشتر کسانی که آن را دیده اند عقیده دارند که این بنا یکی از زیباترین بنا هایی است که تاکنون بدست بشر ساخته شده است.



پرسشهای فصل

۱.در هند ساختمان جامعه بر چه اساسی بنا شده بود؟

۲.درکدام سال عرب بر کشور هند حمله کرد؟

۳.سلطان محمود چند مرتبه بر هند حمله کرد؟

۴.بابر که بود و چگونه بر هند مسلط شد؟

۵.امپراتوری بابر چند سال دوام نمود؟

۶.فرهنگ و اقتصاد تا چه پایه در هند انکشاف نموده بود؟

۷.حکمرانان مسلمان مغل تا چه پایه علوم و فرهنگ را در هند رشد و تکامل دادند؟

۸.کدام یک از حکمرانان مغلی هند دارای اثر علمی و یا هنری است؟

۹.حکمرانان مغل در هند تا چه حد علم دوست بودند و تا چه حد دانشمندان را احترام و تشویق می نمودند؟



روسیه

طوایف اسلاو یا اولین قومی که در سرزمین وسیع روسیه سکونت داشتند، قومی صلح طلب و قناعت پیشه و آرام بودند. منشأ اقوام اسلاو برای پژوهش گران تاریخ چندان روشن نیست، اکنون نشانه هایی دردست است که طوایف اسلاو سالهای قبل از میلاد مسیح در جلگه وسیعی که بین رود خانه ویستولا و کوه های اورال قرار دارد زندگی میکردند آنان برای قرن های متوالی در همانجا سکونت داشتند و چون به مکان دیگری هجرت نکردند شیوه زندگی آنان نیز تغیر نکرد، از قرن پنجم تا قرن هشتم میلادی گروه های این قوم به سوی جنوب، برخی به سوی شرق و طوایفی به سوی غرب این جلگه رفتند. اسلاو هایی که به سوی شرق رفتند اجداد سه چهارم مردم کنونی روسیه میباشند.

اسلاو ها مردمی بودند بلند قد، با پوست تیره و موی قهوه ای روشن. آنان خط نداشتند. آثار الهی را نمی

شناختند و خدایان ساختگی را می پرستیدند. آنان از طریق شکار، ماهیگیری و کشاورزی زندگی میکردند.

و برخلاف طوایف جرمن و وایکینگها مردم صلح طلب بودند. آنان ارتش و نیروی متشکل نداشتند واز همین رو وقتی که طوایفی از مردمان شمالی یا وایکینکها به سر زمین آنها حمله ور شد قادر به جلوگیری از آنان نبودند.

وایکینگها در قرن نهم میلادی از مغرب (یعنی سوئد) به اسلاوها حمله کردند و خیلی زود شهر های آنان را تصرف کردند.

یکی از شهزادگان وایکینگ مردی بود به نام روریک او شهر نوکورود (Novgorod) را فتح کرد و در سال ۸۶۲ میلادی حکومتی را در آنجا بنیان گذارد. بعد از آن بسیاری از شهزادگان وایکینگ شهر های ساحلی رودخانه دنیپر، نظیر کی یف را فتح کردند.

این فرمان روایان جدید بر خلاف اسلاو ها به تجارت علاقه فراوان داشتند. در اواخر قرن دهم میلادی، ولادیمیر حاکم شهر کی یف به تجارت این شهر رونق فراوان داد.

بازرگانی بین شهر کی یف بیشتر با روم شرقی یا بیزانتوم انجام میگرفت و در نتیجه رفت وآمد بین روسیه و قسطنطنیه (استانبول امروزی) مذهب ارتودوکس در میان روسها ریشه گرفت ولادیمیر خود مسیحی شد بدنبال او اکثر مردم شهر کی یف به دین مسیح (البته مسیحت ارتودوکس) در آمدند.

پس از مرگ ولادیمیر در سال ۱۰۱۹ میلادی پسرش یاروسلاو به حکومت رسید. او به مطالعه و جمع آوری کتاب علاقه داشت. نویسندگان را تشویق میکرد و چند مدرسه در شهر کی یف تأسیس کرد واز همین رو یاروسلاوی عاقل لقب گرفت.

اما فرزندان این پادشاه لیاقت و کاردانی او را نداشتند. حتی یکی از نوادگان وی تجارت با روم شرقی را ممنوع کرد وهمین امر موجبات ضعف حکومت را فراهم ساخت.

هجوم قوم مغول:

در آغاز قرن سیزدهم مغولان به روسیه تجاوز کردند. مغولان از شمال دریای خزر به روسیه راه یافتند. اما قبل

از آنکه به شهر های بزرگ روسیه دست یابند چنگیز خان مرد. پس از مرگ چنگیز حمله مغولان به روسیه برای مدت کوتاهی متوقف شد، اما پس از چندی یکی از نوه های چنگیز به نام "باتو" با لشکری جرار شهر های شرقی روسیه را یکی پس از دیگری فتح کرد تا اینکه به مرز های آلمان رسید. بعد از آن باتو برای بسیاری از شاهزاد گان که در شهر های روسیه حکومت میکردند. پیام فرستاد واز آنها خواست که به اطاعت او در آیند. شاهزادگان یکی پس از دیگری به نزد باتو رفتند و به او بیعت کردند. باتو اعلام کرد که مغولان قصد ماندن در روسیه را ندارند و در صورتیکه آنان قول بدهند هر ساله مبالغ هنگفتی خراج برای مغولان بفرستند می توانند همچنان به حکومت ادامه دهند. شاهزادگان پذیرفتند واز آن تاریخ تا سیصد سال بعد مردم روسیه خراجگذار مغولان بود.

این دوره از زندگانی برای مردم روسیه، بویژه کشاورزان بسیار اندوهبار است. شاهزادگان روسی برای جمع آوری مالیات کشاورزان را سخت تحت فشار قرار

می دادند. در این دوره با پدید آمدن سیستم فیودالی یا زمینداری بزرگ شیوه سرف داری به سبک اروپا نیز بوجود آمد.

سرف های روسی نیز شب و روز رنج میبردند و زحمت میکشیدند ولی حاصل رنج آنان صرف خوشگذرانی مالک بزرگ، شاهزاده روسی و یا مغولان باجگیر میشد.

پژوهشگران تاریخ روسیه این دوران تاریک و پراز رنج و محنت را عامل اصلی عقب ماندگی روسیه در قرنهای بعدی می دانند. در این زمان در انگلیستان و فرانسه بتدریج طبقه متوسطه، یعنی پیشه وران و بازرگانان شهر نشین، در مقابل اشراف زمیندار می ایستادند اما در روسیه طبقه متوسط وجود نداشت و فیودالها و شاهزادگان روسی با قدرت و استبداد مطلق حکومت می کردند.

مسکو پایتخت روسیه میشود:

همانطوریکه گفتیم در سالهای اول تاریخ روسیه، بیشتر مردم این سر زمین درطول رود خانه دنیپر سکونت میکردند یکی از ایالت های کنار رودخانه ایالت کی یف

بود. این ایالت به تدریج اعتبار تجاری خود را از دست داد و بسیاری از مردم بسوی شرق رفتند. شهر مسکو یکی از شهر های بود که روسهادر آنجا اقامت کردند و با کوشش خود آنرا شهر مرکزی تمام روسیه ساختند.

ایوان اول (۱۳۴۱ - ۱۳۲۵) با اقدامات عمرانی خود شهر مسکو را توسعه داد و سپس از کاردینالهای کلیسای ارتودوکس خواست که مراکز عبادی و تعلیمی خود را از شهر "کی یف" به مسکو منتقل سازند. رهبران مذهبی ارتودوکس دعوت او را پذیرفتند و همین امر بر اعتبار و توسعه مسکو افزود.

ایوان اول خود باجگذار مغلان تاتار بود و در جمع آوری مالیات برای آنان بسیار سخت گیر بود، تا تار ها که کوشش او را در جمع آوری باج دیدند از دیگر شاهزادگان ایالت های دیگر روس خواستند که همه مالیات جمع آوری شده را در اختیار او قرار دهند تا وی همه آنها را یکجا به مغولان بپردازد.

مسکو جای روم شرقی را میگیرد:

شهر مسکو در عصر حاکمان بعدی نیز همچنان توسعه یافت. اما این توسعه و اعتبار در قرن پانزدهم، یعنی عصر حکومت ایوان سوم به اوج خود رسید. ایوان سوم با خواهر زاده آخرین امپراتور روم شرقی ازدواج کرد این ازدواج موجب گسترش روابط روسیه با روم شرقی یا بیزانتین گردید. و دامنه تجارت ومبادله کالا و سفیر و مسافرت مردم بین دو امپراتوری توسعه بسیار یافت.

درسال ۱۴۵۳ وقتی که قسطنطنیه بدست مسلمانان ترک افتاد، ایوان سوم خود را وارث امپراتوری از بین رفته بیزانتین نامید و نشانه عقاب دو سر را که علامت امپراتوری از بین رفته بیزانس بود به عنوان نشانه حکومت روس به کار برد.

کلیسای ارتودوکس نیز او را به عنوان جانشین امپراتوران روم شرقی پذیرفت. کشیشان ارتودوکس او را کسی میدانستند که میبایستی از مسیحیت و "ایمان واقعی" دفاع کند.

پیمان جوانمردان:

در روز گار جوانی ودر سن بیست سالگی در پیمانی بنام حِلْف الفضول با چند نفر از جوانمردان قریش شرکت کرد. و به موجب آن پیمان، آنان عهد بستند که بداد ستمدیدگان و بی پناهان و غریبان برسند و داد مظلومان را از ظالمان بستانند در بیست و پنج سالگی همراه کاروانی از قریش و با سرمایه خدیجه زن پاکدامن و ثروتمند عرب به شام رفت و پس از باز گشت با آن زن که بنا به مشهور در سن چهل سالگی بود ازدواج کرد. همه فرزندان حضرت محمد ص به غیر از ابراهیم ثمره همین ازدواج است. محمد امین ص خردمند، راستگوی، پاکدامن، موحد فریاد رس ستمدیده گان در بیست و هفتم رجب در سن چهل سالگی از جانب پروردگار برای هدایت مردم و دعوت آنان به یکتاپرستی، عدل، معاد، برادری، اخلاق و عبادات به پیامبری مبعوث شد.

ایوان سوم که روس ها اورا ایوان بزرگ لقب دادنـد. بتدریج ارتش نیرو مند پدید آورد. شورشهای محلـی را سرکوب کرد و کشوری متحد پایه گذاری کرد. از ایـن زمان به بعد حکمرانان روسیه لقب "تزار " گرفتند.

درسال ۱۴۸۷ وقتی که نمایندگان مغولان برای دریافت باج وارد مسکو شدند ایوان به اطرافیان خود گفت:

اکنون زمانی است که درسی خوبی به مغولان باجگیر بدهم.

وقتی نمایندگان مغولان به دربار راه یافتند ایوان دستور داد که همه آنها جز یک نفر به قتل برسند. او سپس رو به تنها مرد مغولی کرد و گفت:

هرچه زودتر به نزد فرمانده خود برو و آنچه را که باچشم خود دیدی برای او بازگو. برای او بگو که اگر باز هم تقاضای باج کند به سر نوشت اینان دچار خواهد شد.

مرد مغولی نزد خان مغول برگشت و آنچه را که دیده بود برای او بازگفت. خان مغول لشکر عظیمی بسیج کرد و روانه شهر مسکو شد. اما این باز مغولان شکست سختی خوردند و به پایگاه خود در شهر غازان باز گشتند. نوه

ایوان سوم که بنام ایوان چهارم بر تخت سلطنت نشست بخوبی آگاه بود که مغولان در کمین نشسته اند تا یکبار دیگر به مسکو حمله کنند. او لشکری عظیمی فراهم آورد و به شهر غازان حمله کرد. مغولان در این نبرد تار و مار شدند و برای همیشه از روسیه گریختند.

ایوان چهارم به مناسبت این پیروزی کلیسای سنت باسیل را در شهر مسکو ساخت. ایوان پس از آن چنان نیرو مند شد که سپاهیانی به سر زمین های لهستان، لیتوانی و سوئد فرستاد.

سپاهیان روس در یک سلسله از جنگ های خونین موفق به تصرف این سر زمینها شدند. اما این موفقیت ها چندان دوام نیاورد مردم این سرزمین ها به مبارزه با اشغالگران پرداختند و آنانرا بیرون راندند.

ایوان چهارم یک سپاه تعلیم دیده را نیز برای فتح سر زمین نا شناخته سایبریا فرستاد. این سپاه توانست از کوههای اورال عبور کند و نواحی شرقی سایبریا را تصرف نماید.

ایوان چهارم مردی بسیار ظالم وقسی القلب بود واز این رو در تاریخ روسیه به "ایوان مخوف" معروف شد در عصر او ارتش روسیه سازماندهی جدید یافت و مراتب نظامی، مانند کشور های اروپایی، در آن معمول گردید. وی برای اولین بار یک "پولیس مخفی" نیز در سراسر روسیه برای شناختن مخالفان پدید آورد. او مخالفان خود را باقساوت کم نظیری از بین می برد.

ایوان مخوف برای ایجاد قصر های بزرگ به سبک اروپا و حمله به سر زمین های جدید نیاز به پول فراوان داشت لذا مالکان زمین را برای دادن مالیات بیشتر سخت تحت فشار قرار می داد. مالکان نیز کشاورزان را به پرداخت مالیات و یا محصول بیشتر تحت فشار قرار میدادند. ظلم و ستم بیحد به روستائیان موجب شد که بسیاری از آنان خانه و کاشانه خود را ترک کنند و به سر زمینهای دیگر بروند.

مهاجرت و فرار روستائیان به سر زمین های مجاور موجبات کمبود نیروی کارراپیش آورد ودرنتیجه مالکان قادر به پرداخت مالیات به تزار روس نبودند. مالکان

مجبور شدند که از فرار کشاورزان جلوگیری نمایند و آنانرا وابسته به زمین کنند. از آن پس کشاورزان همراه با زمین خرید و فروش میشدند و در نتیجه نظام سرف از قرن شانزدهم درروسیه معمول شد.



ایوان مخوف گذشته از استبداد و بی رحمی فوق العاده رفتاری عجیب و غیر معمول داشت. گاه بی اندازه مهربان میشد و بخاطر ستمدیده گان و بیماران اشک می ریخت و گاه نزدیکترین افراد به خود را لت وکوب میکرد. آنها را دندان میگرفت و مجروح میکرد.

ایوان در آخر عمر خود بکلی دیوانه شد مردم مسکو شبها صدای زوزه او را می شنیدند که درون کاخهای کرملین از این سو به آنسو می دوید و فریاد میکشید و در سراسر روسیه همه از ظلم این امپراتور دیوانه به جان آمده بودند اما هنوز عده ای چاپلوس برای حفظ مقام خود او را " تزار بزرگ " و "نجات دهنده ملت روس" می نامیدند.

پرسشهای فصل

۱.اولین قوم ساکن در روسیه چه قومی بود؟

۲.ولادیمیر کدام سال به حکومت رسید؟

۳.کدام یک از فرمانروایان روسی برای اولین بار از پرداخت خراج به مغولان خود داری کرد؟

۴.چرا به ایوان چهارم مخوف می گفتند؟



جاپان

جاپان سر زمینی است که از چهار جزیره بزرگ تشکیل یافته است: هوکائیدو هون شو، شی کوگو و کیوشو.

اگرنقشه جاپان را دربرابر خود بگذاریم جزایر جاپان را در میان آبهای بیکران همچون مار دریایی بزرگی می بینیم.

جاپانی ها در مورد چگونگی پدید آمدن سر زمین شان افسانه معروفی دارند. مادران جاپانی امروزه این افسانه را برای کودکان خویش باز می گویند:

" هنگامیکه زمین را آبهای ژرف فراگرفته بود، ایزاناکی، موجود بزرگ آسمانی چنان دلتنگ شدکه گفت: "برای خویشتن زمینی خواهم ساخت زیباتر از همه دریا ها و این سر زمین مرا سرگرم خواهد داشت."

پس ایزاناکی در راهیکه برای آفرینش زمین می پیمود کشتزاران آسمانی را ترک گفت. از هنگامیکه از پل آسمان می گذشت، نیزه درخشانش را در اعماق سیلابها فرو برد. آنگاه نیزه را در هوا کشید و دانه های درخشنده

آن را که زیبایی بلورسپید فام داشت، از تیغه فرو افشاند.این دانه ها بر سر سینه دریا نشست و کوه های پوشیده از برف و کشتزاران سبز و خرم جاپان را پدید آورد. ایزانکی سه بار نیزه خویش را به جنبش در آورد در هر جنبش دانه های از تیغه آن فرو ریخت. دانه های بزرگ جزیره پهناور را دانه های خرد جزیره های سنگی کوچک را پدید آورد."

البته این فقط یک افسانه است. از نظر علم زمین شناسی، جزایر جاپان با فوران آتش فشان های روشن پدیدار گشته است.



اگر از افسانه ها بگذریم، تاریخ اولیه جاپان بسیار تاریک و مبهم است. پژوهشگران تاریخ تا آغاز قرن بیستم، به

علت کمبود مدارک و اسناد قابل اطمینان در باره چگونگی زندگی ساکنان اولیه جاپان کمتر سخن می گفتند.

اما اکنون با کشفیات جدید باستان شناسی گوشه های از شیوه زندگی اقوام اولیه این سر زمین آشکار گردیده است.

اقوام اولیه جاپان و مذاهب آنها:

در حدود سال ۱۰۰۰ قبل از میلاد، قومی به نام آینو (Ainu) در ناحیه شمالی جاپان زندگی میکردند. آنها قومی بودند ماهی گیر که در اطاقک های حفر شده در زمین زندگی میکردند. باستانشناسان از محل زندگی آنان، انواعی از ظروف سفالین لعاب دیده با نقاشیهایی برروی آنها، یافته اند. قوم آینو خورشید و باران و حتی آبشار ها و تخته سنگها و در ختان و دیگر موجودات طبیعی را می پرستیدند.

مهم ترین آئین مذهبی آنها پرستش خرس بود. در همان زمان قومی دیگر در جنوب جاپان زندگی میکردند که آگاهی چندانی از آنان دردست نیست اما آشکار است که شیوه زندگی شان با آینو های شمال کاملاً متفاوت بوده است.



در حدود قرن سوم و چهارم قبل از میلاد اقوامی از ساکنان کره و فیلیپین به خاک جاپان هجوم بردند. این اقوام تازه وارد، آینو ها را به جزیره هوکائیدو، یعنی شمالی ترین جزیره سر زمین جاپان راندند. آنان با خود سلاح های مفرغی، صنعت کوزه گری و روش های پیشرفتهٔ کشاورزی را وارد جاپان ساختند. این

قوم که در واقع اجداد اصلی جاپانی های کنونی می باشند چون دارای تمدن پیشرفتهٔ بودند اقوام اولیه جاپان را در خود جذب ساختند. آنان یک نوع سازمان قبیله ای در خاک جاپان پدیدآوردند که اساس جامعه جاپان دردوره های بعدی قرار گرفت. در شیوه جدید زندگی، پرستش پدیده های طبیعت همچنان ادامه داشت ومعمولاً هر قبیله خدای ویژه خود را می پرستید.

اما هنوز در جاپان مردمی وجود دارند که آینوس نامیده میشوند و بنظر میرسد که فرزندان همان آینوها باشند. این مردم رنگ شان روشنتر و موی بیشتر دارند.

بطوریکه تاریخ نشان میدهد تا حدود سال بیست میلادی شیوه زندگی قبیله ای و اطاعت از رئیس قبیله ادامه داشته است. تا اینکه دولت نسبتاً نیرو مند "یا ماتو " در جاپان تشکیل گردید. این دولت تعداد زیادی از قبایل را متحد خود ساخت. در این سالها ملکه چینکو درراس این دولت قرار داشت.

اسلام از بعثت تا وفات پیامبر اکرم^ص

آغاز پیامبری:

رسول خدا در سن چهل سالگی و در کوه حرا از جانب پروردگار به رسالت مبعوث شد و دین اسلام را هم چنان که مامور بود به دعوت به پرستش خدای یگانه و نهی از بت پرستی و همه پرستشهای غیر خدایی و ایمان به روز رستاخیز و اقرار به پیامبری خود آغاز کرد. دعوت ودین او نه مخصوص عرب بود و نه از آن عجم، خطاب او انسانها و مقصد او هدایت آنان بود. نخستین کسانی که این دعوت را پذیرفتند خدیجه همسر گرامی پیامبر و علی^ع پسر عمو و داماد آنحضرت بود. پس از آن گروهی چون جعفر، ابوذر، زیدبن حارث و ابوبکر و چندین تن دیگر اسلام آوردند.

تامدت سه سال این دعوت پنهانی بود و گروه کمی از مردم مکه به دین اسلام گرویده بودند. سه سال پس از بعثت، به امر خدا پیامبر^ص مامور شد که بادعوت اقوام نزدیک خود اسلام را آشکارکند. پس در جمعی میان آنان

با گذشت زمان مردم جاپان پرستش پدید های گوناگون طبیعت را کنار گذاشتند و به آئینی بنام شینتو متعقد شدند که اختلاطی از ستایش طبیعت و ستایش اجداد بود.

شینتو یک کلمه چینی است که به معنی " راه خدایان " می باشد. این آیین به زندگی پس از مرگ و رموز اسرار آن اهمیت زیادی نمی داد اما به جای آن فرمانبرداری و اطاعت بی چون و چرا از فرماندهان و صاحبان قدرت را تعلیم میداد. امپراتوران و صاحبان قدرت از تعالیم شینتو در جاپان بهره برداری فراوان کردند. پرستش قدرت در جاپان، همچون روم باستان مصیبت های بزرگی برای انسانها را بار آورد.

وقتی که آیین بودا از چین به جاپان راه یافت تا اندازه ای به مذهب قدیمی شینتو تصادم پیدا کرد. اما هر دو آیین بزودی توانستند درکنارهم مستقر گردند. البته حاکمان و امپراتوران جاپان به رواج شینتو علاقه بیشتری نشان می دادند زیرا که شینتو آیین یک نژاد جنگجو ومطیع است اما آیین بودا معنویت و تعقل را نیز مهم می دانست.

جاپانی ها تحت تاثیر تعالیم آیین شینتو امپراتور خود را مقتدرترین شخص دردنیا و یک وجود نیمه خدایی تصور میکردند و او را فرزندان خورشید می شمردند.

آیین شینتوموجب شد که مردم قدرت مطلق امپراتور را بپذیرند و از صاحبان قدرت در کشور اطاعت کنند. اما لازم است به این نکته اشاره کنیم که امپراتور خود قدرت واقعی نداشت و قدرت واقعی دردست چند خانواده بزرگ ویا چند قبیله بود که امپراتوران را به میل و صلاح خود انتخاب می کردند.

نخستین خانواده بزرگ جاپانی که در تاریخ آن کشور ظاهر شده و قدرت دولتی را دردست گرفت خانوداه "سوکا" بود چون افراد این خانواده آیین بودائی را پذیرفتند، این آیین به صورت درباری و رسمی در آمد یکی از رهبران این خانوداه "شوتوکی تایی شی" بود که از زور و قدرت پرستی نفرت داشت و کوشید که حکومتی براساس اخلاق بنا نهد، نه بر اساس زور، فشار و قدرت.

در این جا باید به این نکته مهم اشاره کنیم که جاپانی ها بسیاری از جنبه های تمدن خویش را از چینی ها

گرفتند ،آنان تا قرن پنجم نوشتن را خوب نمی دانستند، خط چینی در سال ۴۰۵ میلادی از کره به جاپان رفت و مردم جاپان آنرا برای نوشتن زبان و افکارخود به کار بردند. در سال ۵۵۰ میلادی یک روحانی بودایی برای تبلیغ آیین بودا به جاپان رفت و همانطور که نوشیتم حتی توانست خانواده قدرت مند سوکارا تحت تاثیر قرار دهد.

بعد از مرگ "شوتوکی تایی شی" خانواده سوکا " از مقام خود رانده شد و بجای آنان خانوداه فوجی وارا " به رهبری مردی بنام کاماتوری به روی کار آمد.

او دردستگاه حکومتی تغیرات گوناگون و فراوانی بوجود آورد و بسیاری از روش های چینی را تقلید کرد. خانوداه فوجی وارادر واقع در حدود ۲۰۰ سال بر جاپان حکومت می کردند. آنان امپراتوران را که همچون عروسکی دردست آنها بود به میل خودشان انتخاب می کردندو به تقلید از تمدن چینی اهمیت زیادی میدادند.

در سال ۶۰۷ میلادی اولین گروه جاپانی ها، که در میان آنها عده زیادی طالبان علم نیز جود داشت به چین رفتند. سالها بعد وقتی دانشجویان جاپانی به کشور خود

باز گشتند آنرا بسیار عقب مانده تر از چین دیدند و تصمیم به نشر فرهنگ چینی گرفتند. همانطور که گفتیم در آن زمان جامعه جاپان یک جامعه قبیله ای بود که سران قبایل قدرت مطلق داشتند اما در سال ۶۴۵ میلادی امپراتور جاپان با فرمانی که آنرا "اصلاح بزرگ" نامید سیستم قبیله ایرا منسوخ کرد و اعلام نمود که قدرت واقعی با امپراتور است. شصت سال بعد امپراتور دیگر جاپان اجرای یک قانون چینی را که از سلسله تانک گرفته شده بود اجباری کرد. البته این قانون جنبه های زندگی جاپانی ها را هم در نظر گرفته بود. شیوه زمین داری، گرفتن مالیات، سربازگیری، ازدواج، دفن مردگان و مراسم مذهبی همه شکل جاپانی گرفتند. این قانون بر همبستگی و اطاعت همه مردم جاپان از امپراتورتأکید فراوان میکرد. اطاعت و فرمانبرداری مطلق از امپراتور سال های سال بر قوت خود باقی بود. در قرن هشتم میلادی که امپراتوران بقدر کافی نیرو مند شده بودند دو پایتخت مهم ساخته شده. اولی شهر نارا "Nara" بود که

شبیه شهر تانک ساخته شد و دیگری در سال ۷۹۴ میلادی بنا گردید وکیوتو نام داشت.

در قرن بعدی سیستم زمینداری بزرگ (فیودالیزم) در جاپان قوت گرفت. این زمینداران که از خانواده های اشراف بودند نظمی شبیه دوران شوالیه گری در اروپا داشتند.

چگونگی حکومت آنان بر رعایای محروم شوگون نامیده می شد ورئیس خانوداه قدرتمند نیز شوگون بود.شوگون ها گذشته از کنترول امور مالی و قضایی، رهبری قوای نظامی را در هر ایالت دردست داشتند.واحد های نظامی آنان از مردمان جنگاوری تشکیل می شد که سامورائی نامیده می شدند. سامورائی ها همچون شوالیه های اروپا در قرن وسطی در صورت ابرازشهامت تشویق میشدند. ابراز شجاعت، وفاداری و ادب موجب می شد که سامورائی به لقب (بوشیدو) مفتخر گردد.

آغاز استقلال فرهنگی:

درقرن سیزدهم میلادی چینی ها سخت گرفتار جنگ و گریز با مغلان بودند. از این جهت قادر به تحمیل فرهنگ خود بر مردم سر زمین جاپان و حفظ امتیاز های خود نبودند. مردم جاپان کم کم بفکر بدست آوردن استقلال کامل افتادند. اندیشیدن به استقلال و تکیه به فرهنگ خودی آنچنان در این سر زمین قوت گرفت که مردم به زودی احساس نیرو مندی نمودند.حس استقلال طلبی آنچنان قوت گرفت که سالها بعد قوبیلای قاآن امپراتور مغولی پر قدرت چین نتوانست جاپان را فتح کند. او چندین بار نیرو هایی را برای تسخیر جزایر جاپان فرستاد وهر بار با مقاومت دلیرانه مردم جاپان مواجه گشت.

طوفان بزرگ:

در سال ۱۲۸۱ میلادی حکومت مغولی سه هزار وپانصد کشتی جنگی برای تسخیر جاپان آماده ساخت.

در حدود صد هزار سرباز چینی و مغولی در این کشتی ها جای گرفتند و به سوی جاپان حرکت کردند. آنها این

بار مصمم بودند که حتماً جاپانی ها را شکست دهند اما ناگهان طوفانی عظیم بر خاست. این طوفان آنچنان نیرو مند بودکه همه کشتی هارا غرق ساخت. فقط تعداد کمی از سر بازان توانستند جان سالم بدر ببرند.جاپانی ها این طوفان بزرگ را که میهن آنان را از یک شکست حتمی نجات داد کامیکاز می نامند.

ضعف و سقوط فیودالیزم در جاپان:

درزمانی که خانواده آشیکاگا قدرت مرکزی را در جاپان دردست داشتند فیودالیسم در این سر زمین کم کم تحلیل می رفت و ضعیف میشد. جنگ ها و رقابتها بین خانوداه های حکومتگر قدرت آنان را تضعیف کرده بود، اما در بسیاری از نواحی، کشاورزان با مشاهده ضعف حاکمان حکومتگر قیام کردند و کاخهای آنها را با خاک یکسان نمودند. از بین رفتن خانواده های فیودالی اگر چه برای مدتی بی نظمی و هرج و مرج را بوجود می آوردند اما بهر حال موجب رهائی کشاورزان نیز می شد.

مبارزه بین خانوداه های حکومتگر سر انجام به پیروزی خانواده او دانا بوناگا منجر شد سران این خانواده فیو دال پیروز مند با اتحاد با خانوداه های کوچکتر از طریق ازدواج توانست قدرت خانوداه آشیکاگا را در سال ۱۵۳۷ میلادی کاملاً نا بود سازد و یک دیکتاتوری نظامی در



سراسر جاپان مستقر سازد. این قدرت جدید به هرج و مرج، دزدی و غارت شهر ها و روستا ها پایان داد و اکثر ساموراییی ها را خلع سلاح ساخت.

نابوناگا که

رهبری قدرت جدید را دردست داشت پس از آنکه کاملاً در جاپان پیروز گردید. تصمیم گرفت ابتدا سر زمین کره و سپس چین را تصرف کند اما قبل از آنکه روء یا هایش را عملی سازد در گذشت.پس از او بهترین جنگاورش برای عملی ساختن آرزو های او در سال ۱۵۹۲ با صدو شصت هزار مرد جنگی به کره حمله کرد.در ابتدا پیروزی با وی بود و مردم کره نتوانستند در مقابل نیروی عظیم جاپانی ها مقاومت کنند. سربازان جاپانی بسوی شمال حرکت کردند و مصمم شدند که آرزوی دیگر نا بوناگا را که فتح چین بود عملی سازند.چینی ها با یک نیروی ضربتی فوق العاده عظیم به جاپانی ها حمله کردند.ده ها هزار نفر در جنگی هولناک و بیرحمانه کشته شدند. قوای چریکی مقاومت مردم کره نیز ضربات هولناکی بر جاپانی ها وارد ساختند تا آنجا که سر انجام جاپانی ها مجبور به ترک کره و باز گشت به سر زمین خود شدند.

در سالهای آخر قرن شانزدهم و آغاز قرن هفدهم میلادی تغیرات عمده ای در شیوه حکومت جاپان پدید آمد. خانواده توکوگاوا قدرت را دردست گرفت و سیستم

اخذ مالیات جهت ساختن قلعه های نظامی، معابد و ترمیم خرابی های زلزله های فراوان را وضع کرد.

پرسشهای فصل

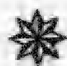
۱.نام چهار جزیره اصلی جاپان را بنویسید.

۲.اولین قومی که در شمال جاپان زندگی میکردند چه نام داشت؟

۳.خانواده فوجی وارا چند سال به جاپان حکومت کردند؟

۴.حادثه کامیکاز در چه سالی اتفاق افتاده است؟

۵.چرا اغلب فرماندهان و حکام جاپان از مذهب شینتو طرفداری می کردند؟





غار حرا در دامنه‌ء کوه نور

برخاست و فرمود: ای فرزندان، من از جانب خدا بر انگیخته شده ام تا شما را هدایت کنم اینک اسلام بیاورید

ماخذ:

۱. افغانستان در پنج قرن اخیر صدیق فرهنگ

۲. تاریخ سیاسی افغانستان مهدی فرخ

۳. نگاهی به تاریخ جهان نوشتهء جواهر لعل نهرو، ترجمهء محمود تفضلی

۴. تاریخ تمدن جهان نوشتهء محمود حکیمی







ما با ایمان به خدا

با اعتقاد به آزادی و عدالت

و با کسب دانش

و همیاری تو خواهر و برادر

بر دیو ظلم، فقر و جهل

پیروز میگردیم



"همسا"

واز آئین من پیروی کنید. و اعلام میکنم که هر کس نخست ایمان بیارود.

برادر و وصی و خلیفه بعد از من خواهد شد. تاریخ گواهی میدهد که جز علی "ع" کسی اظهار ایمان نکرد و آن حضرت، علی را وصی و خلیفه خود قرار داد.

نخستین گروندگان به دین اسلام بیشتر بینوایان، بردگان و ضعفای مکه بودند و اکثر مخالفان اشراف قریش و برده داران و ربأ خواران و کسانی بودند که ازروی غرور و تعصب نمی خواستند عقیده ای غیر از عقیده جاهلانه پدران خود و حاکمیت غیر خویش را بپذیرند. آنان دعوت اسلام را به مسخره میگرفتند و هنگامیکه پیامبر می فرمود: هیچ کس را نزد خدابرتری نیست مگر به تقوا و پاکدامنی) برای ریاست خود احساس خطر می نمودند. اشراف به خیال فریب پیامبر ص نزد او آمده پیشنهاد کردند که اگر حکومت و ریاست می خواهد او را حاکم خود کنند و اگرثروت می خواهد آنقدر به او بدهند که ثروتمندترین مردم شود و اگر همسر می خواهد بهترین دختر خود را به او بدهند. به شرط آنکه دست از دعوت خود بر دارد

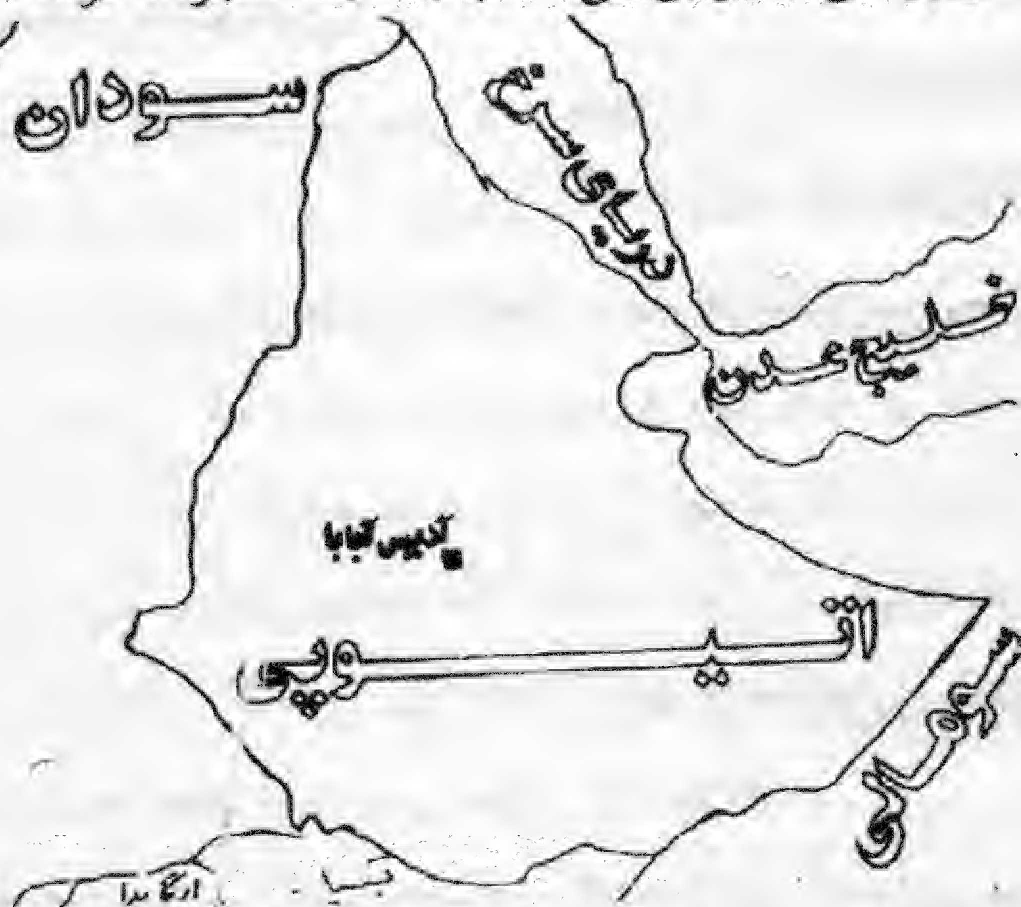
پیامبر اکرم در پاسخ فرمود: اگر خورشید را دردست راست من و ماه را دردست چپ من قرار دهید دست از دعوت خود به اسلام بر نمی دارم مگر آنکه کشته شوم.

پایداری رسول خدا در دعوت به اسلام باعث شده بود که هر روز افراد جدیدی به او ایمان بیاورند. از آن طر ف دشمنان رسول خدا خطر را بیشتر احساس کرده و برآزار مسلمین می افزودند. آنان مسلمانان را برهنه کرده بر روی ریگهای داغ صحرامی خوابانیدند و از حبس وزجر و شکنجه با آهن داغ و گرسنگی دریغ نمی کردند.

سمیه و یاسر مادر و پدر عمار از جمله نخستین شهدای اسلام هستند که در اثر شکنجه های کفار به شهادت رسیدند. داستان آزار بت پرستان قریش به بلال حبشی که بعد ها مؤذن رسول خدا شد، نمونه ای است در تاریخ از بی رحمیهای آن مردم و مقاومت دلیرانه بلال در مقابل کفر ابوجهل ها و ابولهب ها.

هجرت به حبشه[1]:

در سال پنجم بعثت در اثر آزار بیش از حد قریش گروه از مسلمانان (حدود هشتاد نفر) به تشویق پیامبر اکرم و به سر پرستی جعفر بن ابی طالب به حبشه هجرت کردند.



کفار مکه نیز دو نفر عمرو عاص و عبدالله بن ابی ربیعه را نزد نجاشی پادشاه حبشه فرستادند و از او خواستند مهاجران را اخراج کند و یا به آنها تحویل دهد. تجاشی که

---

[1] حبشه کشور اتیوپی فعلی است.

پیرو دیانت مسیح بود پس از تحقیق از مهاجران و شنیدن آیات سوره مریم گریست و به حقانیت اسلام پی برد و از تحویل آنان خود داری کرد.

محاصره اقتصادی:

پس از بازگشت ناموفق فرستادگان قریش از حبشه قریش تصمیم به قتل رسول اکرم ص گرفتند. اما حمایت ابوطالب عموی آن حضرت مانع از انجام آن شد. سرانجام سران قبایل با هم دیگر پیمان بستند و عهد نامه ای علیه بنی هاشم امضاء کردند که با احدی از آنها خرید و فروش و ازدواج و داد ستد نکنند مگر آنکه محمد را تسلیم کنند، تا او را بکشند. نا گزیر بنی هاشم واعم از مسلمان و غیر مسلمان به شعب ابو طالب آمدند.

حدود سه سال این محاصره اقتصادی و اجتماعی به طول انجامید و در این مدت مسلمانان در نهایت فقر و گرسنگی روزگار گذارندند. گاهی گرسنگی چنان سخت و شدید بود که صدای ناله کودکان گرسنه به آسمان بر می خاست. اما مسلمانان با ایمان همچنان مقاومت میکردند

ابوطالب و خدیجه ثروت خود را خرج محاصره شدگان میکردند حضرت محمد "ص" همچنان به دعوت خود ادامه میداد روزی رسول خدا توسط ابوطالب به قریش خبر داد که موریانه عهد نامه را جویده و از آن جز کلمه بسمک اللهم باقی نمانده است.

وقتی قریش به سراغ عهد نامه رفتند که پیامبر ص راست گفته است. به حقانیت دعوت او پی بردند، با اینحال بازهم مخالفت و لجاجت خود با آن حضرت ادامه دادند. بر اثر بروز اختلاف میان قریش سر انجام آنان دست از محاصره اقتصادی بر داشتند. هنوز مدت زیادی از خروج مسلمانان و پیامبر از شعب ابوطالب نگذشته بود که ابوطالب و خدیجه وفات یافتند. از این پس کفار بر آزار شخص پیامبر جسورتر شدند. حضرت محمد "ص" با همه مرارتها و سختیها و توهینها همچنان در دعوت خویش به امر خدا پایداری می فرمود.

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول

عربستان

عربستان جزیره نمای بزرگی است که در جنوب غرب آسیا موقعیت دارد. شبه جزیره عربستان را به پنج ناحیه تقسیم کرده اند.



نقشه عربستان سعودی

تهامه که سرزمینی است در ساحل شرقی بحیره احمر، هوای آنجا به شدت گرم است وبه همین دلیل آنجا راتهامه می گویند.

حجاز که در شمال یمن و مشرق تهامه قرار دارد و تافلسطین امتداد مییابد. از آنجا که واژهء حجز به معنی "فاصله وجدایی" است از اینرو این سرزمین که میاز "تهامه " و "نجد" فاصله گذاشته، به حجاز معروف شد.

هجرت پیامبر اکرم "ص" به مدینه:

در اثر مقاومت حضرت رسول "ص" دعوت به دین خدا اندک اندک از مکه فراتر رفت و به شهر یثرب رسید در سال یازدهم بعثت گروه از مردم یثرب در مکه پیامبر را دیدار کردند و پس از شیندن دعوت آن حضرت به اسلام ایمان آوردند. اینان به یثرب بازگشته و امر رسول خدارا با نزدیکان خود در میان گذاشتند و در سال دوازدهم بعثت با عده دیگری به مکه بازگشته و پس از استوارکردن پیمان خود با مصعب بن عمیر به یثرب بازگشتند. اهل یثرب با شیندن آیات قرآن و دعوت به توحید گروه گروه پس از غسل و پاکیزه کردن جامه ها ایمان می آوردند. در سال سیزدهم بعثت ۷۵ نفر از مردم یثرب از طرف خود و به نمایندگی از جانب دیگران برای بار دوم در عقبه با رسول خدا پیمان بستند، اینها نخستین مردمی هستند که انصار یعنی یاری کنندگان پیامبر خدا و دین خدا نامیده می شوند. کفار قریش چون از این پیمان آگاه شدند بیش از پیش بر آزار مسلمین کوشیدند. تا آن که رسول خدا اجازه هجرت داد و به آنان فرمود نزد برادران انصار خود به

یثرب روند این گروه از مسلمانان را که برای حفظ دین خود مهاجرت کردند مهاجرین نامیدند.

چون در مدت کمتر از سه ماه بیشتر اصحاب رسول خدا به یثرب رفتند کفار از هجرت آن حضرت بیمناک بودند که مبادا یثرب پایگاهی علیه آنها شود تصمیم به قتل پیامبر گرفتند و قرار گذاشتند شبی دسته جمعی و پنهانی بر رسول خدا حمله کنند حضرت محمد پس ازاطلاع، علی "ع" را در بستر خود خواباند و خود شبانه بطرف مدینه با حضرت ابوبکر رضی الله عنه هجرت کرد.

علی "ع" آن شب با همه خطر های که وی را تهدید میکرد دربستر پیامبر خوابید و کفار که گمان میبردند پیامبر در خانه خویش خفته است از تعقیب شبانه او غافل ماندند.

ورود رسول خدا به مدینه

هنگام ورود رسول خدا ص به مدینه بسیاری از بزرگان و روسای قبایل مدینه می خواستند پیامبر "ص" به خانه آنها

فرود آید.آنحضرت که سوار بر شتر وارد مدینه شده بود فرمود: را ه مرکبم را باز گذارید که او خود از جانب خدا دستور دارد شتر آن حضرت پس از آنکه مدتی در کوچه های شهر راه رفت در کنار خانه ابو ایوب برروی زمینی که متعلق به دو کودک یتیم بود فرود آمد. پیامبر این زمین را خرید و مسجد و خانه پیامبر در آن بنا گردید. ورود پیامبر اسلام به مدینه را باید آغاز تأسیس حکومت اسلامی دانست و به همین دلیل سال هجرت از مکه به مدینه و تأسیس این حکومت بوسیله پیامبر "ص" مبدا تاریخ اسلام قرار گرفت.

نخستین پایگاه اسلام:

رسول خدا ابتدا در مدینه مسجدی بنا نهاد وخود همراه مسلمانان در ساختن آن شرکت کرد درنخستین خطبه های که ایراد فرمود، مردم را به خیر و نیکی و بخشش و برادری و رعایت حلال و حرام و راستی و درستی و یاد خدا و دوری از شرک و نفاق دعوت کرد.

از اولین اقدامات پیامبر "ص" در مدینه تدوین پیمانی بود که بر اساس آن حدود و حقوق اجتماعی افراد و گروهها و اقلیتهای مذهبی مشخص می شد. مطابق این منشور مسلمانان و یهودیان مانند یک ملت در مدینه زندگی میکردند. و در هنگام تجاوز دشمن یکدیگر را یاری کرده و هر یک از آنها در انجام مراسم دینی آزادی داشتند. بر اساس این قرارداد مؤمنان همه همدست یکدیگر بودند و علیه کسی که ستم یا تجاوز می کرد اگرچه فرزند یکی از آنها باشد دسته جمعی به مبازره بر می خاستند.

پیوند برادری:

پس از پیمانی که ذکر کردیم و بعدها یهودیان آن را شکستند، پیامبر اکرم "ص" میان هر یک از مهاجرین و انصار پیوندی بنام پیوند برادری ایجاد کرد. این پیمان که از وحدت اعتقادی سرچشمه میگرفت، جایگزین روابط قومی و قبیله ای شد. مسلمانان پس از بستن این پیمان هر چه بیشتر به هم نزدیک تر شدند. به تدریج از میان قبایل و

طوایف پراگنده امتی واحد بوجود آمد این امت واحد زیر پرچم اسلام بودند و عامل پیوند و برادریشان نیز همان اسلام و ایمان به خدای یکتا بود.

برخورد های نظامی، جهاد در راه خدا

ابلاغ پیام آسمانی اسلام و جلوگیری ازتهدید دایمی کفار علیه جامعه نوپای اسلامی پیامبر را برآن داشت تا به دستور قرآن کریم مسلمانان را برای جهاد در راه خدا آماده کند. از هنگام ورود رسول اکرم به مدینه تاوفات آن حضرت مسلمانان برای نشر این رسالت آسمانی و پیام نجات وآزادی و جلوگیری از تجاوز و هجوم کفار در بیش از ۸۵ غزوه وسریه شرکت کردند.جنگهای که پیامبر در آن شخصا شرکت داشت غزوه و جنگ های را که آن حضرت یکی از مسلمین را به فرماندهی انتخاب کرد و به ماموریت می فرستاد سریه می نامند. از معروفترین غزوات بدر، احد، خندق، خیبر، تبوک، فتح مکه وحنین را میتوان نام برد.



قانون اساسی مدینه

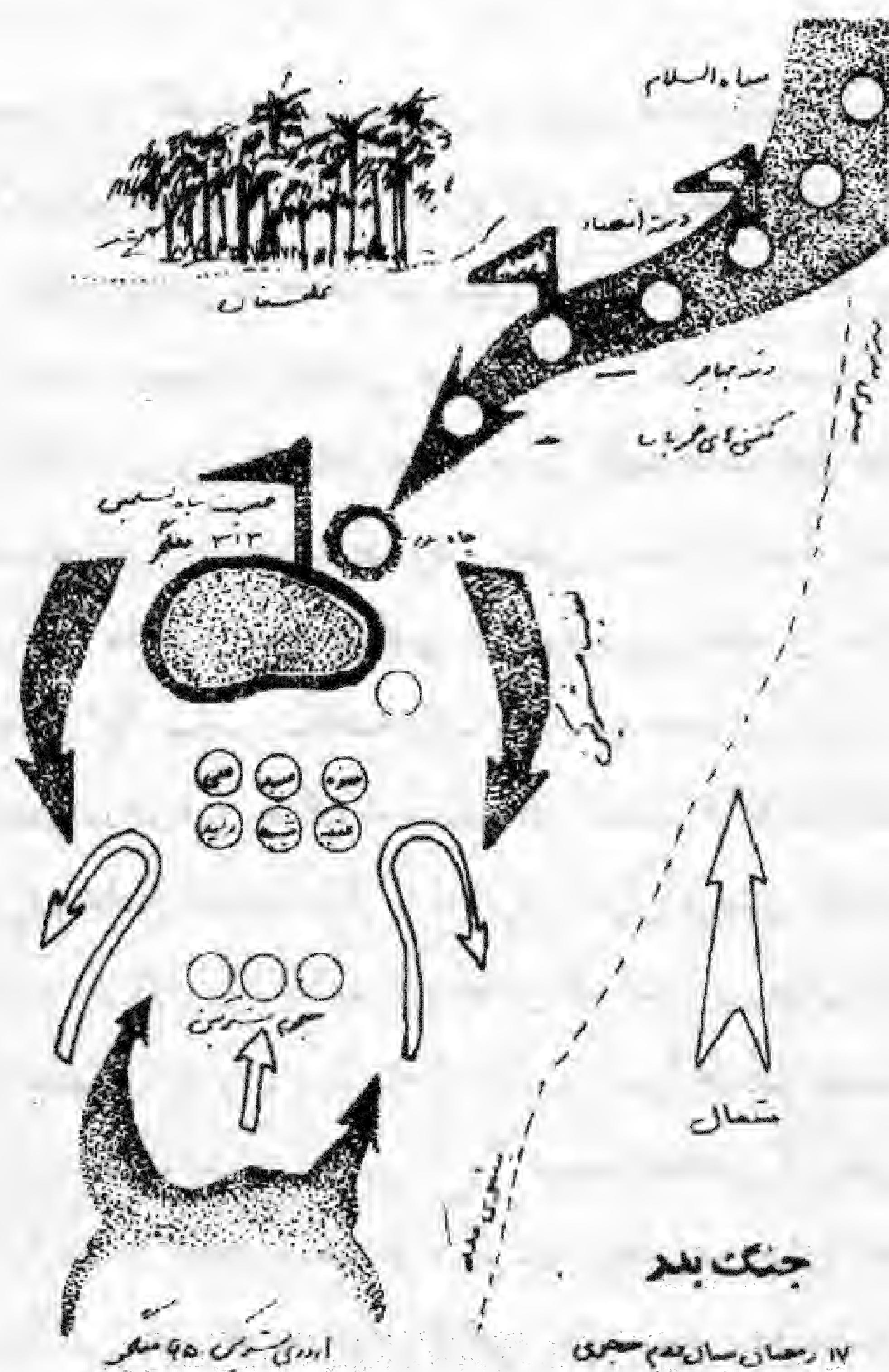
در این جنگ هاست که مسلمانان بر سر پیمان خویش با خدا و رسول خدا می ایستند و اخلاص و صدق خویش را عملا به اثبات می رسانند.

غزوه بدر:

پس از مهاجرت مسلمین ازمکه به مدینه، کفار قریش اموال آنان را غارت کردند و با فروش آنها کاروان تجاری بزرگی براه انداختند. به هنگام بازگشت این کاروان از شام به مکه پیامبر اکرم "ص" تصمیم حمله به آن را گرفت وقتی قریش از تصمیم پیامبر آگاه شدند ودر صدد جنگ با پیامبر و دفاع از کاروان بر آمدند.

سر انجام مسلمانان و کفار در نزدیکی چاههای بدر با هم روبرو شدند و به جنگ پرداختند.در این جنگ سپاهیان اسلام ۳۱۳ نفر بودند. ووسایل جنگی بسیار ساده ای داشتند. آنان تنها ۲اسپ ۶زره و ۸ شمشیر داشتند لشکریان کفر مرکب از ۹۵۰ مرد جنگی که بیش از دوصد نفر آنان سوار بر اسپ و ششصد نفر زره پوشیده

بودند دشمن سه برابر عده مسلمانان بود و ابزار جنگی آنها بیشتر ازمسلمین.



در ابتدای این جنگ رسول خدا برخاست و چنین دعا فرمود:خدایا این قبیله قریش است که با ناز وتکبر خویش روی آورده و با تودشمنی میکند، و پیامبرت را دروغگو میشمارد. "خدایا خواستار آن پیروزی هستم که تو وعده فرمودی. خدایا در همین صبح امروز نابود شان کن."

کفار قریش از جمله ابو جهل دشمن دیرینه اسلام بیش از همه با سخنان آتشین خود مردم را علیه مسلمانان به جنگ تشویق میکردندو هماورد می طلبیدند.در این جنگ مسلمانان و از جمله حمزه و علی، عمو و پسر عموی پیامبر، دلاوری های شگفتی از خود بروز دادند و به گفته علی "ع" پیامبر شخصا پیشاپیش همه قرار داشت. آن حضرت در این جنگ به مسلمانان دستور داده بود که به مردم عادی که به اجبار یا از ترس سران قریش به جنگ آمده اند آزاری نرسانند. مجاهدین نیز متوجه رجال قریش و دشمنان معروف ودیرینه اسلام در این جنگ بودند که خوشبختانه بدست علی "ع" کشته شدند و گروهی به اسارت در آمدند و بقیه فرار کردند. پیامبر در باره اسیران سفارش نمود که به آنها به نیکی رفتار شود. وفدیه اسیرانی

که با سواد هستند این باشد که به ده نفر از مسلمانان خواندن و نوشتن را بیاموزند.

غزوه احد:

در سال سوم هجرت، کفار مکه همه نیروی خود را جمع کرده و همراه سه هزار مرد و صدها اسپ و شتربه سوی مدینه رهسپارشدند. پیامبر چون از حرکت لشکریان مهاجم آگاهی یافت مصلحت چنان دید که مسلمانان درداخل مدینه به دفاع بپردازند. اما پس از مشوره با اصحاب خود،بیشتر جوانان پرشور مسلمان چنین نظر دادند که باید در خارج مدینه به مقابله آنها رفت. در اثر اصرار جوانان رسول خدا تصمیم به حرکت گرفت. سپاه اسلام با هزار مرد جنگی به راه افتاد که سیصد نفر آنها به تحریک منافقین از میان راه برگشتند. در آغاز جنگ پیروزی با مسلمانان بود و گروهی از پرچمداران مهاجمین به خاک افتادند. وبقیه مردان جنگی رو به فرار نهادند. پس از فرار این گروه پنجاه نفری که بدستور و تأ کید رسول

است. این ناحیه کوهستانی و ریگزار است و دو شهر معروف مکه و مدینه در این بخش قرار گرفته است.

نجد که به معنی سرزمین مرتفع است، میان یمن و صحرای "سماوه" و "عروض" وعراق قرار گرفته وچون ازسایر نقاط عربستان بلند تر است آنرا" نجد" نامیده اند کشاورزی گندم وخرما و جواری و پرورش اسپ عمده ترین شغل نجدیان است.

یمن که از نجد تا اقیانوس هند امتداد داشته وازمشرق مجاور حضرموت وبحر عمان است. این سرزمین را به [illegible] زمان های بسیار دور، سر سبز وخرم بوده [illegible] اند.

[illegible] "یمامه" و "بحرین" است ومیان نجد وعراق قرار گرفته است.

[illegible]

مسیحیت در سرزمین عربستان پیروانی داشت. اعراب حیره بعضی مسیحی وبعضی زردشتی بودند زیادتر پیروان

خدا بر شکاف کوهی کمین کرده و مانع هجوم دشمن بودند، ازفرمان تخلف کرده و به خیال پیروزی قعطی و جمع آوری غنایم کمین گاه خود را رها کرده وبه صحنه جنگ آمدند. خالد که با عده کمین کرده بودند از همان نقطه حمله را آغاز کردند و شکست سختی به مسلمانان وارد آوردند. در این جنگ چون پیامبر زخمهای بسیاری برداشته بود شایع شد که پیامبر کشته شده و برای همین شایعه بسیاری از مسلمانان جنگ را ترک کردند و تنها گروه اندکی در کنار پیامبر باقی مانده بودند. سر انجام با فداکاری پیامبر و علی "ع" و گروه که بعدا به آنان ملحق شدند جنگ به نفع مسلمانان خاتمه یافت به این ترتیب قریش نیز به اهداف خود که تصرف مدینه،قتل پیامبر و نابودی اسلام بود نرسیدند. در این جنگ بیش از هفتاد نفر از مهاجران و انصار به شهادت رسیدند که از آن جمله حمزه عموی دلاور پیامبر بود. پس از پایان جنگ ابوسفیان با لشکر خود آهنگ باز گشت به مکه کرد.پیامبر برای تقویت روحیه مسلمانان دو باره دستور تعقیب کفار

را صادر کرد. کفار فرار کردند و مسلمانان پس از فرار آنان با پیروزی به مدینه باز گشتند.

غزوه خندق (احزاب):

در این جنگ یهودیان مدینه بر خلاف پیمان خود پنهانی با کفار قریش همدست شدندو کفار لشکر فراوانی تجهیز کرده و به سوی مدینه رهسپار گردیدند. پیامبر با مشورت اصحاب و به تدبیر سلمان فارسی دستورداد که همکی در مدینه باقی مانده دور شهر را خندق حفر کنند. مسلمانان روز و شب به کارکندن خندق مشغول شدند و رسول خدا نیز خود دراین کار شرکت داشت. در همین زمان پیامبر به مسلمانان که در آن موقع از لحاظ نفرات اندک و از لحاظ اقتصادی در وضع بسیاری بدی بودند. وعده پیروزی و فتح شرق و غرب عالم را که از آغاز بعثت به مسلمانان میداد یکبار دیگر تکرار کرد. جنگ خندق پس از یک محاصره طولانی به هجوم چند نفر از جنگجویان و پهلوانان نامی قریش به این سوی خندق آغاز شد که علی "ع" به مقابله رفت و پس از کشتن

معروف ترین پهلوان آن بقیه فرار کردند. دشمنان پس از این فرار موقت همچنان به محاصره شهر مدینه ادامه دادند که پیامبر با تدبیر مخصوصی اتحاد و همبستگی آنان را گسست، سر انجام در یک شب سرد و طوفانی که بسیاری از لوازم شانرا توفان برد آنان ترسیده و به فرمان ابوسفیان به مکه باز گشتند.

صلح حدیبیه:

در سال ششم هجرت حضرت محمد "ص" برای حج با مسلمانان به سوی مکه حرکت کرد، چون کفار مانع شدند پیمانی به آنان منعقد کرد که ده سال جنگ در میان آنان متوقف شود و هر یک از مسلمانان برای حج یا تجارت به مکه رود، جان و مالش در امان باشد.در این پیمان مقرر شد که مسلمانان سال آینده به حج باز گردند. در هنگام حج کفار شهر را تخلیه کرده و بدست مسلمین بسپارند. این پیمان را حدیبیه می نامند. پس از قرارداد صلح رسول خدا به مدینه باز گشت.

پس از این قرار داد مسلمانان مدینه تا حدی از تجاوز و راهزنی های قریش آسوده خاطر شدند. رسول خدا فرصتی بدست آورد که بوسیله نامه پادشاهان و روسای عربستان و خارج عربستان را به اسلام دعوت کند. از جمله این نامه ها نامه ایست که پیامبر در آن خسرو پرویز شاه ایران را به اسلام دعوت کرد.خسرو نامه پیامبر را پاره کرد و چون خبر این جسارت به رسول خدا رسید فرمود: "خدایا رشته پادشاهیش راز هم گسیخته ساز " از وقایع معروف سال هفتم هجرت فتح قلعه های خیبر بدست علی "ع" است. چون یهود یان بنی قریضه و........ پیمان را شکستند و بر خلاف پیمان و تعهد خود نه تنها مدینه در مقابل تهاجم دشمن دفاع نکردند بلکه از پشت به مسلمانان خنجر زدند و با قریش و کفار همدست شدند، به همین جهت پیامبر به آنان اعلان جنگ داد و قلعه های آنان را محاصره کرد. سر انجام علی "ع" قلعه و دژ خیبررا فتح کرد. و در همان روز فتح، جعفر ابن ابی طالب و مسلمانانی که در اوایل اسلام به حبشه مهاجرت کرده بودند، به مدینه باز گشتند.

فتح مکه

تا سال هشتم هجرت مسلمانان همچنان در تبلیغ وترویج اسلام کوشیدند. در سال هشتم هجرت قریش پیمان حدیبیه را شکستند، با شکستن پیمان رسول خدا تصمیم به فتح مکه گرفت و ده هزار نفر را تجهیز کرد. مسلمانان پس از ورود به مکه به دستجات مختلف تقسیم شده و هر کدام از راهی وارد آن شهر شدند. پیامبر در فتح مکه به فرماندهان دستورداد که به قدر توانایی از جنگ و خونریزی پرهیز کنند. مگر در مقابل کسانی که به جنگ در آیند. پس از شکست مختصر گروه های پراگنده، مکه فتح شد و پیامبر به مسجد الحرام رفت و ۳۶۵ بتی را که در خانه کعبه قرار داده بودند واژگون کرد. در این روز علی "ع" بر شانه پیامبر رفت و بت ها را سرنگون کرد.

رسول خدا در خانه کعبه دو رکعت نماز گزارد و سپس بر در کعبه ایستاد و گفت:" معبودی جز خدای یگانه نیست، وعده خود را انجام داد و بنده خود را یاری کرد و گروه ها را به تنهائی شکست داد پس ستایش خدا راست و بر او شریکی نیست."

سپس رو به کسانی که عمری او را آزار و شکنجه کرده و بار ها علیه او جنگیده واز هیچ آزاری خود داری نکرده بودند. نموده وگفت: چه گمان می بریدو چه میگویید؟ گفتند از تو امید نیکی و جوان مردی داریم. آن حضرت پاره ای از احکام اسلام را برآنها بیان فرمود و ادامه داد: "بروید که شما آزاد شدگان هستید."

پس از فتح مکه گروه گروه مردم به اسلام وارد میشدند و از هر سوی عربستان هر روز هئیت های به حضور پیامبر آمده و پس از سوال از احکام اس[illegible] ع[illegible]ید مسلمانان ایمان میآوزدند.

غزوهِ تبوک:

در سال نهم هجری کاروانی از شام به مدینه آمد و خبر داد که لشکر روم قصد حمله به مدینه را دارد.رسول خدا "ص" فرمان داد که مسلمانان آماده سفر شوند، اما این سفر برای مردم مدینه مشکل بود. زیرا علاوه بر آنکه هوا بسیار گرم بود، زمان برداشت محصول نیز بود.

گروهی از منافقین از فرصت استفاده کرده سعی نمودند مسلمانان را ازرفتن به این جنگ باز دارند اما با وجود کار شکنی منافقین پیامبر "ص" با ۳۵ تا۴۵ هزار نفر حرکت کردند. اما جنگی رخ نداد و پیامبر "ص" در ضمن این سفر موفق شد با ملوک " حره " پیمان صلح ببندد.

هنگام عزیمت سپاه اسلام بنا به دستور حضرت رسول "ص"، علی "ع" درمدینه ماند، زیرا منافقین تصمیم داشتند وقتی آن حضرت از مدینه بیرون میروند، دست به توطئه زده، همچنین خانه پیامبر "ص" را غارت کنند. با حضور حضرت علی "ع" در مدینه توطئه منافقین نقش بر آب شده و این تنها جنگی بود که حضرت علی "ع" در آن شرکت نداشت.

وفات حضرت پیامبر اکرم:

پیامبردرآخرین روز های حیات خود سخت کوشش کرد سپاهی به فرماندهی اسامه به سوی شام روانه کند. این لشکر مدتی در خارج مدینه اردو زد و چون اسامه در حدود نزده سال داشت کسانی به رسول خدا اعتراض

کردند که چگونه جوان کم سال را به فرماندهی انصار و مهاجرین بر گزیده ای و پیامبر فرمود در باره او سر زنش نکنید. و طعنه نزنید. او شایسته فرماندهی است. در همین ایام پیامبر بیمار شد و عده ای به بهانه بیماری پیامبر از رفتن به اردوگاه لشکر تخلف کردند.

پیامبر در آخرین روز های حیات خود در حالیکه سراسر شبه جزیره عربستان در قلمرو حکومت اسلام بود و همه از او فرمانبرداری میکردند به مسجد رفت و در مقابل مردم چنین گفت:" ایمردم من خدای را که جز او خدایی نیست پرستش میکنم هر که در میان شما حقی بر من دارد اکنون من آماده ام. اگر بر پشت کسی تازیانه زده ام این پشت من، بیاید به جای آن تازیانه زنید. اگر کسی رادشنام داده ام بیاید دشنامم دهید.... محبوب ترین شما در دل من کسی است که حقش را اگر دارد از من باز ستاند و یا مراحلال کند تا هنگامی که خدا را دیدار میکنم روحم از همه خوشتر باشد. چنین میبینم که این خواست کافی نیست و باید چندین بار در میان شما برخیزم و آن را تکرار کنم سنخرانی دیگری که شاید آخرین گفته های او

در میان مردم بود آنها را دعا کـرد و به تقوا و پارسایی و سامان دادن کار بندگان خدا سفارش فرمود.

پیامبر اکرم در آخرین روز حیـات خـود هفـت دینـار اندوخته خویش را به فقرا و بینوایان تقسیم کرد. و با دقتی بیشتر از روزهای قبل دندانهای خود را مسواک نمود و در حالی که ذکر خدا بر لب داشت در ۲۸ صفـر سال یازدهم هجرت به لقاء پروردگار خود شتافت. و به این ترتیـب مردی بینظیری که تاریخ مانند او را سراغ ندارد از جـهان رخت بر بست و میراث گرانبهای اسلام را باقی گذاشت.

پرسشهای فصل

۱.تاریخ ولادت حضرت پیامبر را بنویسید.

۲.پیامبر از چه خاندانی بود؟ آنرا نام ببرید.

۳.پیمان حلف الفضول چگونه پیمانی بود.

۴.حضرت خدیجه که بود؟ و تمام سرمایه خود را در چه راه‌های مصرف کرد.

۵.حضرت پیامبر چگونه مبعوث شد؟

۶.حضرت پیامبر چگونه دعوت خودرا آغاز کرد.

۷.چه کسی دعوت پیامبر را لبیک گفت و چه کسی به او مخالفت کرد؟

۸.پیامبر چگونه و به کجا هجرت کرد.

۹.کار نامه های اجتماعی پیامبر را در مدینه تشریح کنید.

۱۰.کار نامه های جنگی پیامبر را تشریح کنید.

۱۱.مکه چگونه فتح شد.

۱۲.پیامبر در چه تاریخی وفات نمود؟

۱۳.شبه جزیره عربستان دارای چند ناحیه است؟ آنها را نام برید.

مسیحیت در یمن وشام "سوریه" زندگی می کردند تعدادی از یهودیان در یمن وبیشتر در حوالی شهر یثرب بودند، اماعقیدهء مسلط بربت پرستی بودند. اعراب سنگ چوب، درخت، آفتاب وماه را می پرستیدند. حدود ۶۰- بت از قبایل مختلف بر دیوار کعبه آویخته شده بو معروفترین بت های آنان عبارت بودند از: هَبل، لات منات، عزی. پرستش موهومات از قبیل: جن، غول عفریت، دیو و اعتقاد به موهوماتی از قبیل فال، جادو رمالی وغیره نیز در نقاط مختلف عربستان رواج داشت.

وضع اجتماعی:

ساختار اجتماعی جزیرةالعرب مبتنی بر اساسات قبیلوی بود. در این نظام حکومت بدست ریش سفید یا شیخ بود معیار امتیاز وشرافت، نجابت قبیلوی وخانوادگی بود همانطور که حکومت قبیله بدست ریش سفید وشیخ بود حاکمیت خانواده ها وخاندانها با پدر کلان ها بود.

در صحرای خشن عربستان و در زندگی سخت و روابط خصمانه ای قبیلوی که زندگی براصل دفاع وحمله مبتنی

- *تاریخ صنف هشتم، تهیه وتدوین توسط همکاران ترقی اجتماعی-همتا صفحة:*

۱۴.اوضاع اعتقادی، اجتماعی واقتصادی عربستان را در عصر بعثت به کمک معلم تان تحلیل کنید.

۱۵.حضرت محمد "ص"درکدام سال متولد شد؟ آنرا توضیح دهید.

۱۶.دوران جوانی و کودکی حضرت محمد "ص" چگونه گذشت آنرا نیز توضیح دهید.

۱۷.نقش اعتماد و ایمان را در تحولات اجتماعی تشریح کنید.

۱۸.پیامبر اسلام چگونه و از چه طریق موفق شد از میان اعراب بیابانگرد شخصیت های مهم سیاسی و نظامی تربیت کند.



دوره‌ء خلافت

پس از محمد "ص" یک نفر از قبیله‌ء قریش به نام ابوبکر (رض) خلیفه شد. این جانشینی از راه یک نوع انتخابات در یک اجتماع عمومی صورت گرفت بعد از او به ترتیب عمر(رض) عثمان(رض) وعلی (ع) خلیفه شدند.

این چهار نفر که از آنها به عنوان خلفای راشدین یاد میشود مردانی بزرگی بودند که بنیان عظمت اسلامی را استوار ساختند. آنها به عنوان خلیفه مقام ریاست روحانی وسیاسی را به عهده داشتند یعنی هم زعیم و رئیس سیاسی وهم پیشوا و راهبر مذهبی شمرده می شدند. آنها باوجود مقام بزرگ وممتاز وقدرت روز افزون دولت شان زندگی ساده‌ء خویش را ادامه دادند واز تجملات پر شکوه اجتناب داشتند در نظر آنها دموکراسی اسلام یک چیز واقعی و زنده بود. داستان های متعددی از حضرت آبوبکر، حضرت عمر وحضرت علی نقل می کنند که اینها امیران ومأموران

خود را بدلیل سؤ استفاده مالی معزول می ساختند و به شدت مجازات می کردند حتی از این تجاوزات و اسرافها میگریستند. آنها می دانستند و احساس می کردند که قدرت شان در سادگی وتحمل سختیهای زندگی است و اگر آنها به تجملات زندگی دربار های ایران و روم بپردازند عربها هم فاسد میشوند وسقوط می کنند.

به دلیل پیام برادری وبرابری اسلام وعدالت خواهی رهبران اسلام درمدت کوتاهی امپراتوری روم وایران در قبال سپاه اسلام به زانو در آمدند.

امویها ۶۶۱ تا ۷۵۰ میلادی

مطابق ۳۹ تا ۱۲۸ هجری

علی علیه السلام شهید شد بعد از شهادت اوخلافت به امویها انتقال یافت شرایط نا برابر اقتصادی واجتماعی در دوره اموی ها باعث شد که حکمرانان از خط پیامبر اکرم وخلفای راشدین عدول کنند و در اداره امور اجتماعی وکشوری راه ورسم امپراتوران وشاهان را انتخاب کنند.

با گزینش راه ورسم امپراتوران رومی وایرانی کم کم خلیفه بصورت یک سلطان وپادشاه مستبد در آمد. دیگر هیچ اثری از دموکراسی وآزادی آرأ ونظریات درجامعهء اسلامی باقی نماند. او نیز مانند یکی از پادشاهان مستبد زمان شد.

در زمان امویها مرکز خلافت به دمشق انتقال یافت. این شهر باستانی باکاخها، مسجدها و چشمه سارها وعمارات گوناگونی که در آن ساخته شد بسیار زیبا ومشهور گردید. دستگاه ذخیره وتوزیع آب شهر دمشق شهرت بسیار داشت.

در زمان امویها فتوحات اسلامی مجددا آغاز گردید کشورهای در آفریقا،آسیا واروپا پشت هم بدست سربازان اسلام فتح گردیدند وبعد از گذشت تقریبا صد سال سرزمین های ازجنوب فرانسه واسپانیا وسراسر شمال افریقا تا سویز واز آنجا تاایران وآسیای مرکزی تا مرزهای مغلستان تحت تسلط خلفای اسلامی در آمدند.

عباسیها

قریب صدسال خلافت در دست امویها بود. آنان از دمشق بر سرزمینهای وسیع حکومت می کرد. در زمان آنان مسلمانان پرچم اسلام را تا سرزمینهای دور دست برده بودند.

در زمان امویها در اثر ظلم وتعدی حکام اموی یک سلسله قیام وخیزش مردمی آغاز شد و این خیزش بصورت شورش وحرکت های توده ای در شرایط مناسب خود را ظاهر می نمودند. رفته رفته دامنهء این قیام وسیع تر شد. بنی عباس که از اولادان عباس کاکای پیامبر بود ازاین قیام مردمی سود بردند در اثر این قیامها عاقبت بنی امیه منقرض شد و خلافت به خاندان بنی عباس انتقال یافت.

بنی عباس که خود را منجی مسلمین معرفی میکردند وقیام خودرا در چوکات حرکت ضد استبدادی وبه عنوان انتقام گیری از بیرحمیهای بنی امیه توجیه می کردند

همینکه پیروز شدند دیده شد که اینان در بیرحمی وقتل وکشتار از آنان هیچ کمی ندارند.

پایتخت خلافت در زمان عباسیان از دمشق به بغداد انتقال یافت. بغداد شهر بزرگ و زیبا شد. در تمام کشور های اسلامی شهری به قشنگی بغداد نبود. حکمرانان قدرتمند وبازرگانان ثروتمند این شهر، بخاطر داستان های هزار ویکشب در تمام جهان مشهور شده اند.

متأسفانه سر پیچی ازاحکام وقوانین اسلامی موجب اختلاف طبقاتی ونژادی زیادی گردید.

مردان صحرا نشین اکنون در کاخهای مجلل زندگی می کردند و به جای خرما گران قیمت ترین ومتنوع ترین خوراکها غذای ایشان شدو زندگی بسیار مرفهی برای خود پیدا کردند.

آنها کوشیدند که درجلال وشکوه به رقابت با امپراتوران سابق بپردازند وبسیاری آداب ناپسند و مفاسد زندگی آنها را هم پذیرفتند. اکنون ازاخوت وبرادری وبرابری مسلمین خبری نیست تفوق عرب بر غیر عرب در همه جا به چشم می خورد مرد سالاری و تحقیر زنان که از رسم های پلید

امپراتوران بود در داخل امپراتوری عرب به وضوح دیده می شد.

فرهنگ وتمدن اعراب:

دوران خلافت عباسیها از جهت علاقه وتوجهی که به علوم نشان داده می شد اهمیت خاصی دارد. در شهرهای مسلمین مراکز.دانشگاهی متعددی دایر شد که زندگی فکری و علمی در آن رونق داشت. داکتران زیاد از مراکز دانشگاهی برخاست. در آن زمان در بغداد بیش از هر شهر اروپایی داکتر ماهر وجود داشت. شفاخانه های بود که اشخاص فقیر وقتی مریض می شدند در آنجا می ماندند. داکتران بیماران شفاخانه هارا میدیدند وخدمتگاران غذا و داروی لازم را به آنها می دادند.

انکشاف علم:

عالمان عرب می گفتند: بهترین آرایش انسان دانش است". در امپراطوری عربی علوم به مثل ریاضی، ستاره

شناسی وجغرافیا انکشاف کرده بود. ریاضی دانان مسلمانان الجبر را اختراع کردند. ستاره شناسان اندازه تخمینی زمین را معین نمودند.

البیرونی عالم معروف مسلمین فرضیهء حرکت زمین را دراطراف آفتاب بیان کرد. ابوعلی سینابلخی عالم معروف مسلمین که در قرن یازدهم زندگی کرده است بیش از دوصد اثر از خود باقی گذاشته است. او بسیاری از مشخصات امراض را بیان کرده است وطرز معالجهء آنها را نیز تشریح کرده است.

مدارس و کتابخانه ها:

در بغداد پسرها به مدرسه هایی که در مسجد ها بود میرفتند والبته بعض دخترها هم به مدرسه می رفتند. در آنجا الفبای عربی، علم قرائت، ریاضیات، ادبیات و سایر علوم را می آموختند. در بعضی از مسجد ها علاوه بر پسرها، مردها هم برای شنیدن درس معلم فرزندان شان حاضر می شدندو در نتیجه مساجد تاحدی شبیه دانشکده بود.

بغداد مانند بیشتر شهرهای اسلامی کتابخانه های بزرگی داشت. ودرآن نسخه های خطی وقلمی با ارزش و گران بهایی از کشورهای مختلف جمع آوری شده بود. این کتابخانه به نام مخزن خرد یاد میشد.

هنر:

انکشاف وسیع تجارت زمینه رابرای گسترش قصه های شفاهی مردمی مساعد ساخت. تجار درباره کشورهای دیگر قصه های عجیب می کردند و درباره سیاحت و مسافرت دیگران حکایت های عجیب وغریب باخود میآوردند. بعد هااز قصه ها وافسانه های مذکور افسانه های معروف (هزارویکشب) ویا (شب های عربی) مرتب شده است.

در مرکز خلافت معماری خیلی پیشرفت کرده بود. برای خلیفه قصرهای زیبا و مجلل با تعداد زیاد فواره هامی ساختند. تعداد زیادی از کوچه های شهرهای عربی سنگ فرش شده وازطرف شب ها با چراغ روشن می گردید. معماران عربی مساجد مقبول وزیبا اعمار می کردند. گنبدو

دیوارهای مساجد با نقش ونگارهای زیبا تزئین می گردید. مسجد حضرت عمر "رض" در بیت المقدس ومسجد حضرت امام حسن (ع) در قاهره ومساجد قرطبه و بغداد از آثار عالی معماری آن وقت محسوب میشود.

تاریخ وحکمت:

همینطور مسلمین تاریخ نویسهای خوبی داشتند واز روی کتابهای تاریخی آنان می توانیم اطلاعات بسیار بدست آوریم. فلسفهء تاریخ نیز از ابتکارات مسلمین است گویند ابن خلدون نخستین نویسنده ای است که در جهان در موضوع فلسفهء تاریخ به بحث وتحقیق آغاز کرده است. ابن خلدون میدان تاریخ حقیقی وطبیعت وماهیت آنرا کشف کرد.

همینطور مسلمین حکما وفیلسوف های زیادی داشتند. در اسلام نظامهای فلسفی و دستگاههای فکری چندی وجود دارد. مقصود ازفلسفهء اسلامی جهانبینی و جهان شناسی چندی است که در دامن فرهنگ اسلامی پدید آمده وقوام یافته است... فلسفه های که باید یعقوب کندی

بـود بچـه هـا را موقعیتـی مـی بخشـید کـه پایـه نظـامی واجتماعی داشت وبر فایده و احتیاج استوار بـود. پسـر بـودن خـود بخـود دارای ارزش هـای معنـوی وشـرافت اجتماعی واخلاقی وانسانی شده بود. به همان پایه ای که پسر دارای ارزش وافتخار قبیلوی شده بود، دختر بودن مایهء ننگ و ذلت شده بود واین ذلت او را بـه اسـارت کشیده بود و زن موجودی شده بود مملوک مرد، ننگ پدر و بازیچهٔ هوس جنسی مرد.

بچه بودن افتخار بود ودختر بودن مایه ننگ و ذلت. برای رهایی از این ذلت بعض قبایل دختران را زنده به گور می کردند و.....

وضع اقتصادی:

در نظام قبیلوی عربستان مردم به دو گروه نادار و دارا تقسیم شده بودند. اکثریت مردم در فقر وناداری کامل به سر می بردند واقلیت اشراف تمام مزایای زندگی را بـه انحصار خود در آورده بودند. بهره کشی بیرحمانه وضع رقت باری را بر اکثریت مردم تحمیل کرده بود بطوریکه

وابونصر فارابی وغیره از پایه گذاران عمدهء آن به شمار میرود.



نمای مسجد امام حسن "ع"

اروپاییها ازمسلمین استفادهء علمی بردند

اروپایی ها بسیار چیزهارا ازمسلمین آموختند. تعداد زیاد آثار علمای ریاضی، وستاره شناسی رهنمای علمای آن دوره اروپای غربی گردید. امروز در جهان ستاره های زیادی بانام عربی شان یاد میشود.اروپاییها ازاعراب کشیدن نقشه واستفاده از قطب نمارا آموختند. آثار زیاد نویسندگان وعلمای باستانی از زبان عربی به زبان های مختلف اروپایی ترجمه ومورد استفاده قرار گرفته است.

گروهی از آگاهان که باشناخت وآگاهی بیشتری درباره علم و تمدن وادب وفرهنگ اسلامی نظر داده اند، کوشیده اند تا به اندازهء ممکن، واقع پذیر وحقیقت گو باشد واز رواداری وغرض برکنار مانند و راستیها را بر ملا سازند. از جمله کسانی که در اینمورد نظر بدون غرض داده ولتر است وی می گوید:

"در دوران توحش ونادانی، پس از سقوط امپراتوری روم، مسیحیان همه چیز را مانند هیأت، کیمیا، طب، ریاضیات وغیره از مسلمانان آموختند وازهمان قرون اولیه

هجری ناگزیر شدند برای گرفتن علوم متداوله،آن روزگار به سوی مسلمین روی آورند."

پرسشهای فصل

۱.خلفای راشدین که بودند؟

۲.نمونه از اخلاق خلفای راشدین را اگر می دانید در ضمن مقاله ای ارائه دهید.

۳.در دوره اموی ها چرا خلافت از مسیر عدالت منحرف شد؟

۴.در دوره اموی ها فتوحات اسلام تا کجا دامنه پیدا نمود؟ آنرا بنویسید.

۵.چرا خلافت اموی ها منقرض شد؟ آنرا توضیح دهید.

۶.عباسیها که بود؟ و چگونه بقدرت رسید؟ آنرا توضیح دارید.

۷.چه تفاوتی میان حکومت عباسی ها و اموی ها موجود بود آنرا توضیح دهید.

۸.فرهنگ و تمدن اسلامی درکدام دوره و چگونه رشد نمود؟

۹.چند شخصیت علمی و فرهنگی اسلامی را نام ببرید.

۱۰.علومی را که مسلمین انکشاف دادند نام ببرید.

۱۱.اروپاییان چگونه از مسلمین استفاده علمی بردند؟

۱۲.چرا در زمان ما مسلمانان عقب مانده اند؟



اروپا

در حدود سال ۳۳۰ میلادی کنستانتین امپراتور روم شهر بیزانتوم را فتح کرد و نام خود را برآن نهاد. از آن به بعد این شهر قسطنطنیه نامیده شد وامپراتوری روم به دو بخش شرقی وغربی تقسیم گردید. پایتخت روم غربی شهر روم وپایتخت روم شرقی قسطنطنیه بود.

درسال ۴۷۶ میلادی امپراتور روم غربی در اثر قیام مداوم برده ها و حمله های اقوام شمالی مقاومت خود را از دست داده و سقوط کرد و حکومت امپراتور روم غربی منقرض، اما امپراتوری روم شرقی در قبال تهاجمات داخلی وخارجی مقاومت نموده به حال خود باقی ماند. مردم این امپراتوری که آنرا امپراتوری بیزانس نیز می نامند، به جای اطاعت از کلیسای روم (واتیکان) فرهنگ و ادب یونانی را پذیرفتند و پیرو کلیسای یونانی "ارتودوکس" شدند. در طول هزار سال پاپ ها و

کاردینالها کوشش زیاد می کردند تا بین کلیسای روم غربی (واتیکان) و کلیسای روم شرقی (بیزانس) اتحاد بر قرار سازند اما موفق نشدند.

روم شرقی هم چنان پایدارماند اماروم غربی سقوط کرد. ازآن پس اروپا وارد عصر بی خبری، ظلمت وجهل شد ومخصوصا پس از حکومت پارلمانی در اروپا تنها حکومتهای مالکان بزرگ یا فیودالها باقی ماند. پادشاهان جرمن اگرچه خودرا پادشاه می نامیدند اما سلطنت آنها در واقع نامی بیش نبود. اروپا در دست صدها دولت فیودال بود. فیودالها یامالکان بزرگ برسرفها یاکارگرانی که در املاک شان کار می کردند حکومت می کردند. جنگ ونزاع میان دولت های فیودال امر عادی بود وپادشاهان قادر نبودند که آتش جنگهای محلی را خاموش سازند وصلح وآشتی در میان آنان بر قرار نمایند.

زمینداران بزرگ لرد یا ارباب نامیده می شدند. لردها خود را نجیب زاده می دانستند وزندگی آنها اغلب در جشنها وخوش گذرانیها می گذشت. آنان احتیاجی به

کارگران نداشتند زیرا که سرفها یا بردگان زمین همه چیز را برای آنان فراهم می کردند.

سرفها تقریبا برای انجام هرکاری مجبور بودند ازلرد یا ارباب اجازه بگیرند. آنان روزهادر مزرعه ارباب کار



بازار برده فروشی زندگی سرفها

میکردند وچون هوا تاریک می شد به خانه های کوچک و گلی خود باز می گشتند. آنها چراغ نداشتند خانه های

شان از شاخه های به هم تابیدهء درختان درست می شد. این خانه ها دودکش نداشت وچون که غذا در داخل اطاق پخته میشد دود خانه را پر میکرد سرفها بعد از برگشتن ازسرکار غذایی مختصری می خوردند وسپس بارنج و خستگی فراوان روی زمین می خوابیدند. روز بعد دوباره رنج وزحمت کارگران در مزرعه ارباب آغاز می شد.

در بعضی ازاملاک به هر خانواده قطعه کوچکی از کشتزار واگذار میشد. سرفها برای کشت در این قطعه کوچک مجبور بودند که باهم کار کنند زیرا هیچ سرفی به آن اندازه وسیله نداشت تابه تنهای مزرعه خود را قلبه کند ودر آن غله بکارد. در تمام روستا فقط چند قلبه چوبی وجود داشت و این قلبه ها اغلب به اندازهء کند بود که هشت گاونر می بایست یکی از آنها را بکشد وهیچ سرفی آن همه گاو رانداشت. بنابراین گاوخودرا به گاوهای همسایگانش می بست وهمه باهم قلبه میکردند. آنان هفته سه روزدر زمین ارباب بزرگ کار میکردند و در فصل تابستان محصولات وفرآورده های زمین را به انبار لرد یاارباب می بردند ودر زمستان برای قلعه یاخانهء

ویلایی او هیزم میشکستند. سرفها مجبور بودند جاده ها وپلهای خراب شده را تعمیر کنند، برای ارباب خانه بسازند ودربعضی از فصول برای اوهدیه ببرد.

لردها یاارباب زندگی مجلل و باشکوهی داشت. او در قصری که معمولا در نقاط مرتفع ملک ساخته می شد



زندگی می کرد. مردان جنگجویی به نام شوالیه از قصر آنان محافظت می کردند والبته در شادی ورفاه لردها نیز شریک بودند.

در زمان قدرت حکومتهای

بهره کشی از نیروی کار برده ها در امور زراعت.

فیودال، کلیسا نیز از قدرت بهره داشت. در آن زمان در قلمرو هر دولت فیودال کلیسایی وجود داشت که یک کشیش آنرا اداره می کرد.

روزهای یکشنبه صدای کشیش از درون کلیسا شنیده می شد که به زبان لاتین دعا میخواند در آن زمان هنوز در کلیسا ها از زبان مردم روم قدیم یعنی لاتین استفاده میشد. کتاب مقدس، که از تورات و انجیل تشکیل یافته است ودعا ها ی مذهبی همه به زبان لاتین بود.

کشیش تنها معلم ده بود، اوعقاید مذهبی وبعضی از دعاها را به پسران و دختران یاد میداد غسل تعمید روستاییان، انجام مراسم دفن مردگان ویا ازدواج به عهده کشیش بود.

همکاری کلیسا ولردها:

امپراتوری روم قدرت خود را از دست داد، اما کلیسای روم (واتیکان) سالهای فراوان هم چنان قدرتمند بود. دولتهای فیودال به پاپ خراج می دادند وکشیشها عملا با مالکان بزرگ همکاری می کردند. کشیشها وظیفه داشتند

زندگی اکثر مردم روز به روز خراب تر می شد فقر وتنگدستی بیداد می کرد. اما اکثریت مردم بدلیل تسلط برعقیده شرک و فرهنگ خرافه نه تنها در مقابل عده ای چپاولگر ایستادگی نمی کردند که آنان را به عنوان متصدی بودن حرم و بر گزیدگان خداوند تقدیس می کردند بر خور داری آنانرا موهبت فطری ومحرومیت خودرا ضرورت طبیعی تلقی می کردند!!

ظهور اسلام

در چنین شرایط که عرب ها در طول قرون دراز در حال خفتگی بسر می بردند واز آنچه در سایر جاها اتفاق می افتاد جدا و بیخبر بودند. ناگهان بیدار شدند و بانیرو وقدرتی عجیب دنیا را تهدید کردند و زیر و رو ساختند. سر گذشت عربها و داستان اینکه چگونه به سرعت در آسیا و افریقا و اروپا توسعه یافتند وفرهنگ وتمدن عالی وبزرگی به وجود آوردند یکی از شگفتیهای تاریخ بشری می باشد.

که سرفها را به اطاعت ازمالکان وادار سازند آنان مسؤل محصولاتی بودند که در بعض از کشتزار های اشتراکی سرفها به عمل می آمد. گاهی اوقات لرد قطعه زمین در اختیار کشیش قرار میداد. آنوقت سرفها مجبور بودند زمین کشیش را نیز با زمین خودشان شخم بزنندو محصولش را جمع آوری کنند.

گاهی یکی دیگر از وابستگان کلیسا به نام اسقف به کلیسا های چندین ده نظارت داشت او می خواست اطمینان پیدا کند که کشیشهای این ده وظایف خودرا بخوبی انجام می دهند.واز زمینها وساختمانهای کلیسا مراقبت می شود. اسقفها زیر نظر افراد دیگری به نام سراسقف بودند. اسقفها وسراسقفها ازمیان اشراف بر می خاستند. آنان گاه به نزد لرد یا بانوی او و شوالیه های او می رفتند. بعضی از این لرد ها نزد کشیش یا اسقف به گناهان خود اعتراف می کردند. کشیش پس از شنیدن اعتراف آنها معمولا پس از دریافت مبلغی گناهان آنها را می بخشید. وبرای شان دعا میکرد. تحصیلات اسقفها و سر

اسقفها از کشیش ده بیشتر بود آنها همه تابع پاپ در رم بودند.

کشیشان، اسقفها وسراسقفها زندگی سرفها را از نزدیک می دیدند اما برای نجات آنها از آن همه رنج واندوه کوشش نمی کردند. بسیاری از آنان تصور می کردند که فقر و بیماری وگرسنگی آنها خواسته ومشیت خدا است.

جنگهای صلیبی:

آیین مقدس اسلام، آیینی است مبتنی برعدالت، قرآن گسترش عقیده مذهبی را بادلیل وبرهان و کوششهای علمی امکان پذیر میداند وبا مجبور کردن افراد غیر مسلمان به پذیرفتن دین جدید مخالف است. ازاین رو در آغاز توسعه ونشر اسلام، اقلیتهای مذهبی در کشورهای اسلامی از آزادی کامل برخوردار بودند وبدون اضطراب ونگرانی مراسم واعمال مذهبی خود را انجام می دادند. آزادی اقلیتهای مذهبی درشهر بیت المقدس (اورشلیم) در عصر حکومت عباسیان وفرمانروایی حاکمان ترک وفاطمی هم چنان باقی بود.

در سال ۸۷۰ میلادی شخصی به نام (برنارد) به بیت المقدس، یعنی شهری که مورد احترام مسلمانان، مسیحیان ویهودیان بودسفر کرد وچون بازگشت در خاطرات خود نوشت.

" اکنون به شما خواهم گفت که مسیحیان چگونه احکام خدا را در بیت المقدس به جامیآورد. اکنون مسیحیان ومسلمانان چنان با یکدیگر در آرامش به سر می برند که اگر شتر یا الاغی که اثاثیه مرا حمل میکند بمیرد. یامن اثاثیه خودرا بدون نگهبانی بگذارم وبه شهر دیگر بروم هنگام مراجعت تمام اثاثیه من دست نخورده باقی خواهد ماند."

زائران مسیحی در پناه امنیتی که حکومت اسلامی به وجود آورده بود ازسه کلیسای واقع در کوه (تجلی) دیدن می کردند، در کوچه های بیت اللحم راه می رفتند، شمعهای را که از پنجره های کلیسای واقع در کوه اولیوت می درخشید تماشا می کردند و در برابر ضریح مقدس زانو می زدند هیچ کس حق نداشت که به مذهب یا عقیده

کسی توهین کند مسیحیان، مسلمانان و یهودیان با مسالمت باهم زندگی می کردند.

قبل از جنگ های صلیبی ، سرزمین های وسیعی از کشور های اسلامی راترکان مسلمان اداره می کرد. ترکان سلجوقی که قبلا قبایل صحرا گردی بودند با پذیرفتن آیین اسلام امپراتوری وسیعی را پی ریزی کردند. اما این امپراتوری در اواخر قرن یازدهم میلادی در اثر رقابت حکمرانان محلی ضعیف شد وهمین امر پاپ وحکمرانان اروپا را بر آن داشت که شهر بیت المقدس را ازمسلمانان بگیرند. به علاوه ترس ووحشت پاپ از مسلمانان وجاه طلبی کشیشان دراین جنگ انگیزه، دیگری هم وجود داشت. مردم بعضی از شهرهای ایتالیا مانند پیزا، زن، ونیز و آمالفی از نظر تجارتی بسیار پیشرفته بودند و کم کم تصمیم گرفتند قدرت تجارتی خود را توسعه دهند. آنان تصمیم گرفتند به برتری مسلمین در مدیترانه شرقی پایان دهند و بازارهای خاور نزدیک را به روی کالای اروپای غربی باز کنند.

سرانجام طمع ورزی تجار وجاه طلبی کشیشان واسقفها کار خود را کرد و نهضتی برای تسخیر بیت المقدس در اروپا آغاز شد.

تهاجم صلیبیون:

گروهی از صلیبیون متعصب وپرحرارت به رهبری مرد متعصب و نیمه دیوانه به نام والتردیوانه به قصد تسخیر بیت المقدس حرکت کردند لشکریان والترمفلس از مجارستان وبلغارستان گذشتند و به قسطنطنیه رسیدند. آنها در طول راه به دزدی وغارت دست می زدند زیرا فکر می کردند که چون صلیب جهاد بر سینه زده بودنداجازه هرکاری را نیز دارند. پادشاه بیزانس خود را از شر آنها خلاص کرد وآنها را به سوی آسیای صغیر راهنمای کرد. در زد وخورد اول ترکان سلجوقی آنها را بکلی در هم شکستند والتر وعده زیاد کشته شدند فقط عدهء کمی از آنها توانست در اثر فرار از جنگ جان خود را بسلامت ببرند.

در تیرماه سال ۱۰۹۶ میلادی دسته های مختلف صلیبداران تحت راهنمایی فیودالها و کشیشها از فرانسه،

جرمنی و ایتالیا بر آمده بسوی مشرق حرکت کردند آنها خوب مسلح بوده و برای توشه راه پول هم داشتند.

صلیبیون تا به آسیای صغیر رسیدند، راههای کوهستانی و بیابانهای بی آب سفر آنها را مشکل ساخته بود. حمله های پی در پی سواره سبک مسلمانان صلیب داران را به جان آورده بود. صلیبیون در طول راه شهر ها را تصرف وغارت کرده و مردمانش را قتل عام می کردند. در میان سرکردگان دسته های صلیبی بالای تقسیم غنایم جنگی، برخورد های زیاد وشدید صورت گرفت.

در سال ۱۰۹۹ میلادی دسته های صلیبی بعد از حمله های شدید به بیت المقدس دست یافتند سپاهیان پس از فتح شهر با قساوت و وحشی گیری حیرت آوری به قتل عام مردم بی گناه شهر پرداختند آنان به کودکان وزنان رحم نمی کردند و اموال مردم راغارت می کردند وخانه هاراغصب.

فرماندهان صلیبی در حالی که دست شان بخون آغشته بود وارد کلیسای مسیح شدند و به شکرانه آن پیروزی مراسم دعا به جا آوردند پس از پایان آن مراسم از کلیسا

خارج شدند.وبه سپاهیان خود دستور دادند که وارد مسجد اقصی شوند وهمه آنهای را که به آن مسجد پناه برده بودند به قتل برسانند. صلیبی ها آنگاه به معبد یهودیان رفتندو معبد را به آتش کشیدند. صدها یهودی در معبد ودر میان آتش سوختند. همینکه کار یهودیان به پایان رسید غارت وچپاول مساجدآغاز شد. آنگاه به خانه ها ریختند و فجایعی مرتکب شدند که در تاریخ نظیر ندارند.

مبارزه مسلمانان برای رهایی بیت المقدس از دست صلیبیون:

با آنکه صلیبیها موفق به گرفتن بیت المقدس شدند اما اختلاف و تفرقه آنان مانع پیشروی آنان بسوی سایر کشور های اسلامی شدند، از سوی دیگر مسلمانان بادرک زیان تفرقه و اختلاف به وحدت می گرایدند. آنان با تشکیل گروههای مقاومت ضرباتی بر قوای صلیبی در سرزمینهای اشغالی وارد می کردند.

مبارزات مسلمان ها تحت قیادت صلاح الدین ایوبی وعدم اشتیاق مردم اروپا در جنگ بعد ازشکست پیاپی باعث شد که صلیبیون سرزمینهای اشغالی خود را در سوریه وفلسطین ازدست بدهند وبیت المقدس دوباره به دست مسلمانها بیفتد.

جنگهای صلیبی یکی از طولانی ترین وبی رحمانه ترین وخونین ترین جنگهای بود که در اثر جاه طلبی کشیشان وبازار یابی بازرگانان اروپا علیه مسلمین راه انداخته شدند. این جنگ در اواخر قرن یازده شروع گردید وتا اوخر قرن سیزده ادامه پیدا کرد.

تأثیر جنگهای صلیبی بر اروپا:

جنگ های صلیبی خسارات سنگینی برمسلمانها ومردم شرق وارد کردند. اروپاییها در این جنگ ها قربانی بسیار دادند، اما برای آنان پیروزی ماندنی به بار نیاورد وبه هدف نهایی خود که تصرف شرق بود نایل نیامدند. گرچند اروپاییها در این جنگ به پیروزی نهایی دست نیافت، اما این جنگ بر زندگی آنان تأثیر شگفت انگیز داشت. آنان

که قبل ازجنگ در ظلمت جهل وعقب ماندگی به سر می بردند باآغاز جنگهای صلیبی باتمدن پیشرفته مسلمانان آشناشدند. آنان که پس از این نبرد ها به سرزمین خویش باز می گشتند از پیشرفت مسلمانان در علوم، در طب، در بهداشت و در صنعت ومعماری سخنهای بسیار می گفتند. مردم اروپا پس از آن به تاریخ و جغرافیا سخت علاقمند شدند و سیاحان بسیار عازم نقاط مختلف جهان شدند. اروپاییها شیوهء درست کشاورزی وتجارت را از مسلمانان آموختند. آنان به زندگی مردم شرق از نزدیک آشنایی پیدا کردند و بدینوسیله شکست نظامی خود را باپیروزی علمی وغنیمت عظیم فرهنگی جبران کردند.

انگزیسیون یا محکمه تفتیش عقاید:

پاپ، اسقفها و کشیشان در طول قرون وسطی یک نوع عقیده مبتنی بر او هام و خرافه را بر مردم تحمیل کردند. رهبران کلیسا در سر زمین های مختلف اروپا تعالیم توحیدی حضرت عیسی را تحریف کردند. و با جهل و افسانه های موهوم فکر مردم را به انحراف کشاندند و با

تحریف دین غارت و چپاول مردم محروم را توجیه شرعی می کردند.

جنگ های صلیبی و آشنایی اروپاییان با تمدن پیشرفتهٔ مسلمانان باعث شد که آنان فریبکاری های بانیان کلیسارا که بنام خداومسیح انجام میدادند، درک کنند. از نیمه قرن سیزدهم نهضتهای علیه کلیسا و پاپ آغاز شد کشیشان این عصیانگران را که با تکیه بر بینش جدید و طرز تفکر نو به مسایل برخورد میکردند کافر و ملحد می گفتند.

پاپ گرکوار نهم بخاطر مقابله با موج جدیدی که علیه کلیسا آغاز شده بود اداره انگزیسیون یا تفتیش عقاید آراء را تشکیل دادند. افراد وابسته به این دستگاه ماموریت داشتند که افراد کافر و ملحد و مخالف، کلیسا را تعقیب و جستجو کنند، و به مرور ایام این دستگاه به صورت وسیله موثر سرکوب و شکنجه در آمد. کشیشان و اسقفها به فرمان پاپ اختیار کامل داشتند که افراد کفار و ملحد را دستگیر و شکنجه کنند.

نیرو وفکر تازه ای که عربها را بیدار ساخت وایشان را از اعتماد به نفس وقدرت سر شار ساخت، آیین مقدس اسلام بود. پیامبراین مذهب شخصی بود به نام محمد^ص که در صداقت گفتار و رفتار ورد زبان همه بود.

زندگی حضرت محمد^ص از ولادت تا بعثت

تولد حضرت محمد^ص:

حضرت محمد^ص در روز هفدهم ربیع الاول عام الفیل (سال هجوم لشکر ابرهه بافیل ها به مکه) ازمادری به نام آمنه متولد شد. پدر او عبدالله فرزند عبدالمطلب واز نواده بنی هاشم بود. به همین جهت خاندان او را بنی هاشم می نامند. بنی هاشم طائفه ای از قبیله قریش بود.

عبدالله پدر پیامبر اکرم، قبل از تولد او در گذشت وجد او حضرت عبدالمطلب سر پرستی او را به عهده گرفت. عبدالمطلب طبق رسم خانواده های بزرگ آن زمان این کودک را در شیر خوارگی به زنی بنام حلیمه سپرد تا پس



نقشه شام در هنگام نخستین جنگهای صلیبی

طبق قانون دستگاه انگزیسیون هر کس از کفار یاغی اگر توبه نمیکرد واز عقاید جدید خود انکار نمیکرد بجرم گستاخی اندیشه به دار آویخته می شد. وعده ای زیادی به همین جرم سوزانده شدند.

پاپ ها کار را بجای رساندند که تمام گروه ها و فرقه های مذهبی را که جهت یک موضوع کوچک با آنها اختلاف عقیده داشتند یا هر کس که از روش و رفتار روحانیان کلیسای روم انتقاد میکردند، خارج از دین و مرتد اعلام کردند. چنانچه حکم تکفیر و قتل یک واعظ پرشور ایتالیایی از طرف کلیسا صادر و تطبیق شد. این واعظ " آرنولد برس سیایی" نام داشت. و در موعظه های خود از فساد و تجمل روحانیون انتقاد میکرد. به این جهت محکمه تفتیش عقاید او را دستگیر کردند و به دار آویختند و بعد هم جسد بیجان او را سوزاندند و خاکسترش را دررود " تیب" که از کنار واتیکان در شهر روم می گذرد ریختند تا مردم نتواند هیچ اثری از او برای خود نگهدارند.

پرسشهای فصل

۱.لرد ها و سرفها چه کسانی بودند؟

۲.رابطه لرد ها و سرفها برچه مبنی استوار بود؟

۳.کلیسا چرا در کنار لرد ها قرار گرفته بود؟

۴.چرا در طول حاکمیت لرد ها اروپا عقب مانده بود؟

۵.نقش کلیسا را در روند عقب ماندگی اروپا توضیح دهید؟

۶.عوامل جنگ های صلیبی را توضیح دهید.

۷.چرا صلیبیون موفق به ادامه اشغال بیت المقدس نشدند؟

۸.صلیبیون را کدام کس از بیت المقدس بیرون راند.

۹.تأثیر جنگ های صلیبی را بر اروپا توضیح دهید.

۱۰.انگزیسیون چیست و چرا تشکیل شد؟

۱۱.انگزیسیون با مخالفان چگونه بر خورد می کردند؟



ایران از قرن ده تا پانزدهم میلادی

دولت آل بویه:

در ابتدای قرن دهم میلادی خلافت عباسی پیهم سرحدات خود را از دست میداد به شکل که تنها عراق و قسمت های غربی ایران تحت حاکمیت خلافت باقی ماند. در شمال ایران حکومت های کوچک فیودالی بوجود آمده بودند که همیشه بین خود جنگ وجدال داشتند. آنها در اکثر جنگ ها از عسکرهای اجیر علیه همدیگر استفاده میکردند.

نزد، یکی از فیودالهای محلی قریب بحیره کسپین سه برادر از اولاد بویه به حیث عسکر های اجیر خدمت میکردند. " آن سه برادر از ولایت گیلان بود" دیری نگذشت که آن برادران با فیودالهای که نزد او خدمت میکردند مخالفت نمودند و بعد فعالیت علیه او آغاز کردند. آنها از عسکر های مسلح اجیراستفاده نموده شهر های

شیراز و اصفهان را تصرف نمودند و بعد حاکمیت خود را در قسمت های غربی ایران بر قرار نمودند.

یکی از آن سه برادر احمد نام داشت که در سال ۹۲۵ میلادی شهر بغداد را اشغال کرد. و خلیفه عباسی مجبور گردید که عنوان عالی حکومتی یعنی امیری امیران را با او بدهد.

آل بویه در قلمرو تصرفی خود به نام خلیفه عباسی حکومت میکردند و در خطبه و سکه نام خلیفه اول قرار داشت لیکن از نگاه قدرت دولتی خلیفه تنها مقام مذهبی و دینی داشت وبس.

دولت بویه شامل تمام قسمتهای غربی و جنوبی ایران به شمول شهر های همدان، اصفهان، ری، مناطق خوزستان، فارس، کرمان و عراق یا شهر بغداد بود.

دیری نگذشت که بین اولاده بویه بر سر کسب قدرت جنگ ها آغاز شد. در این مبارزه عزالدوله خسرو به موفقیت های نایل آمد و از ۹۶۹ میلادی تا ۹۸۳ میلادی زمام دولت بویه را بدست گرفت.

در زمان حکومت او دولت بویه به قدرت عالی خود رسیده بود. تمام سر زمین های قلمرو آل بویه به دولت مرکزی پیوست. در زمان حکومت عزالدوله برای انکشاف زراعت کوششهای زیاد شد. دانشمندان، شعرا، و هنر مندان در دربار او جمع شدند و حمایت گردیدند.

بعد از مرگ عزالدوله بین پسران او به خاطر گرفتن مقام حکومت مبازره آغاز شد. جنگ های خانوادگی ارتباط اقتصادی و تشکیلاتی بین ایالت مختلف را ضعیف ساخت پراگندگی و جنگهای داخلی بر سر کسب قدرت وسعت یافت. عوامل فوق سبب ضعف و سقوط دولت بویه گردید. مناطق و سرزمین های که سابقا جزء دولت بویه بود تحت اشغال قدرتهای مهاجم و تجاوزگر در آمد و نظم و قدرت دولت بویه از هم پاشید.

تصرف قسمت شرقی ایران:

در ابتدای قرن دهم میلادی دولت سامانی قدرت حاصل کرد. مرکز این دولت شهر بخارا بود. سامانیان حاکمیت خود را نه تنها درماوراء النهر و خراسان بلکه در بعضی از

ایالات شرقی و شمالی ایران نیز بر قرار کردند. آنها استقلال کامل خود را از خلافت عرب بدست آوردند.

سامانیان از غلامانی که در جنگ ها با قبایل ترک بدست آورده بودند قشونی تشکیل دادند. بعضی از روسای نظامی قشون سامانی در اواخر قرن دهم میلادی به زمینداران کلان تبدیل شدند. آنها از اجرای اوامر حکومت مرکزی سر پیچی میکردند. یکی از این روسای نظامی الپتگین بود. او در سال ۹۶۳ میلادی شهر غزنی رابه تصرف خود در آوردهٔ حکومت مستقل را در آنجا تشکیل داد. دیری نگذشت که این حکومت به دولت پر قدرت غزنوی تبدیل شد و بعد از اشغال خراسان، شهر های ایران از جمله ری، قزوین، اصفهان را با مربوطین آنها اشغال و جز دولت غزنویان ساخت دولت غزنویان خیلی دیر نپایید و به زودی ترکان سلجوقی حاکمیت خود را برتمام مناطق ایران تحمیل کردند.

تشکیل دولت سلجوقی:

در زمان های قدیم در آسیای میانه از دشتهای نزدیک کسپین تا کوههای التایی قبایل مختلف ترکی زبان زندگی مالداری و کوچیگری داشتند.

در آن روزگار آنان (ترکها) نه تمدن داشتند و نه فرهنگ.مذهب آنان شرک و بت پرستی بود. آنان در میان قبایل دیگر به جنگ آوری و شجاعت معروف بودند ناگهان این قوم چادرنشین گرد هم آمدند و برای تسخیر سر زمین های جدید به سوی مشرق هجوم بردند.

در عین زمان ترک ها دین اسلام را قبول کردند. طغرل بیگ، پس از آنکه در نیشاپور تاج گذاری کرد در سال ۳۳۷ هجری به سوی بغداد حرکت کرد و آن شهر را فتح کرد. طغرل بیگ در سال (۱۰۶۲) میلادی وفات یافت. بعد از او برادرزاده اش آلپ ارسلان به جای او نشست.آلپ ارسلان هم چون عمویش طغرل بیگ مصمم بود که از راه آسیای صغیر خود را به قسطنطنیه برساند. او ابتدا با سپاه خود به عزم تصرف ارمنستان حرکت کرد. رومن دیو ژن که در آن زمان، امپراتور روم شرقی بود با

سپاه عظیمی به مقابله به وی پرداخت. جنگ شدید و خونین در محل معروف به ملازگرد اتفاق افتاد. در این جنگ رومیان شکست سختی خوردند و امپراتور به دست مسلمانان اسیر شد پس از آلپ ارسلان پسرش ملک شاه به سلطنت رسید. در عصر وی پیشرفت های ترکان مسلمان ادامه یافت چند سال بعد آنان اکثر کشور های را از سواحل دریای مدیترانه تا مرز های چین زیر نفوذ خود داشتند. ترکهای مسلمان آنچنان قدرتی یافتند که امروزه پژوهشگران تاریخ از اینکه قومی بیابانگرد و بی تمدن بتوانند در مدتی کوتاه دارای آن چنان قدرت عظیم بشوند، اظهار شگفتی می کند.

ظهور چنگیز خان:

قبایل مغل مردم صحر ا نشین و بیابانگرد بودند که در دشت های مغلستان زندگی میکردند. آنها قبایل متعدد بودند که قبل ازظهور چنگیز خان به آنصورت اهمیت نداشت.

قبایل پراگنده مغل گردهم جمع شدند و برای خود رهبر واحدی برگزیدند که او را خان بزرگ نامیدند و نسبت به او سوگند وفاداری و اطاعت یاد کردند و در تحت فرماندهی او بسوی پکن تاختند و حکومت امپراتوران کینک را پایان دادند. چنگیز خان بعد از تصرف کشور پهناور چین خیال پیشروی در آسیا نداشت. چنگیز خان میخواست با سلطان خوارزم دوستانه رفتارداشته باشد. به همین سبب در سال ۱۲۱۵ سفیر سلطان خوارزم سید بهاءالدین رازمی را که تاپکن پیش رفته بود با مودت و احترام پذیرایی کردو از ضرورت صلح دائمی بین دولتین و استقرار تجارت دم زد.چنگیزخان با فرستادن سفیر بنام محمود یلواج همراه با پیام و هدایای برای سلطان خوارزم روابط تجارتی بین مملکتین را خواستار شد. سلطان خوارزم پیشنهاد چنگیز خان را پذیرفت. و با سفیر چنگیز خان قراری بست و تحکیم



از پایان یافتن دوران شیرخوارگی، طفل را بـه مـادرش بـاز گرداند.

حضرت محمد^ص شش ساله بود که مادرش آمنه نیز در گذشت ودر هشت سالگی جد مهربانش عبدالمطلب را نیز از دست داد از آن پس سر پرستی حضرت محمد تا دوران بلوغ بر عهده ابوطالب، عموی آنحضرت بود.

اجداد حضرت محمد^ص تا پنج نسل قبل سمت ریاست وکلید داری کعبه را بر عهده داشتند. تاریخ نویسان خاندان حضرت محمد را همگی به بزرگواری وپاکی وشرافت یاد کرده اند و بسیاری از آنان عقیده دارند که اجداد او بت ها را پرستش نمی کردند.

حضـرت محمـد در کودکـی وجوانـی دارای نوعـی از ویژگیهای اخلاقی بود که اورا ازدیـگر کودکـان ونوجوانـان جدا میکرد. راست گویـی، درسـت کـرداری، محبـت بـه دیگران، دلسوزی و ایثارش برای انسانها از ویـژگیهای او بود، در جوانی هم به دنبال گناهان معمول آن زمان نرفت و در امانت وپاکدامنی نمونه بود، بطوریکه به اولقب امین دادند.

روابط تجاری را وعده داد.

اما همینکه کاروان تجارتی چنگیز خان به سر زمین شاه رسید دستور داد آنان را بکشند و اموال شانرا مصادره نمایند. ماموران خوارزم شاه طبق دستور او جمعی بارزگانان مغل را کشتند. چنگیز با وجود این واقعه باز هم خواهان صلح و سازش بودند و سفیرانی به حضور خوارزم شاه فرستاد و در خواست کرد که عاملان این کار را کیفر دهد ولی شاه ابله که از خود مغرور بود و خود را خیلی مهم می شمرد با این سفیران بد رفتاری کرد و آنها را کشت. این امر دیگر برای چنگیز خان قابل تحمل نبود، اما عجله ای نکرد و با کمال دقت به تهیه و تدارک پرداخت و در اولین فرصت با سپاهیان خود به سوی مغرب تاخت.

این هجوم در سال ۱۲۱۹ میلادی (۶۱۶هجری قمری) آغاز شد. امپراتوری خوارزم در مقابل هجوم مغل از بین رفت. شهر عظیم بخارا که پر از کاخهای عالی و قصور پر شکوه بود و بیش از یک میلیون نفر جمعیت داشت به خاکستر مبدل گشت. سمرقند پایتخت خوارزم نیز ویران شد. هرات و بلخ و بسیاری از شهر های پر رونق دیگر

همه ویران شدند. و میلیونها نفر نابود گشتند. تمام هنر ها و صنایع که در آسیای مرکزی در رونق بود برای مدت چند سال از میان رفت انگار که زندگی و تمدن درکشور و در آسیای مرکزی قطع گردید هر جا که چنگیز عبور میکرد اگر در مقابل مقاومت صورت میگرفت به بیابانی مبدل میگشت. اما اگر سیاست معقول در قبال آن اتخاذ میشد چنانچه ملوک کرت در غور چنین سیاستی اتخاذ کردند، چنگیز خان با آنان با گذشت و مدارا رفتار میکرد.

یکی از سردار مغل بنام هلاکو خان در سال ۱۲۵۹ م در ایران دولتی تأسیس کرد. او پس از دو سال شهر بغداد را تصرف کرد که در نتیجه آن خلافت عباسی ازمیان رفت.

تهاجم مغل به رهبری چنگیز خان مثل لشکر کشی های سایر مهاجمان بدنبال خود ویرانی و تخریب گسترده را به جای گذاشت، اما چنگیز بیشتر از دیگران به عنوان فرد جانی در تاریخ مطرح شده است و حال آنکه کیفیت و کمیت و ماهیت همه تجاوز گران و مهاجمان یکی بوده و هستند. چنین به نظر میرسد که دلیل این کار آن بوده است

که چنگیز خان از خود تاریخ نویس نداشته است. تاریخ فتوحات او را همه دشمنانش نوشته اند. و در قتل و کشتار چنگیز خان اغراق کرده اند.

تیموریها در ایران:

دولت تیمور که در آسیای میانه تاسیس یافت و سال های حکمرانی آن از (۱۴۰۵ م) تا (۱۵۷۰ م) به لشکر کشی وسیع و استیلا گرانه به سوی ایران شروع گردید.

امیر تیمور بعد از تسلط بر ماوراء النهر و فتح قبچاق و کاشغر به سوی ایران تاخت. امیرتیمور در کشور ایران نخست سوقیات مختصری کرده و استرآباد را تسخیر نمود و بعد آذربایجان و عراق و بعد تمام ایران را بگرفت اشغال ایران توسط عسکر های تیمور چندین سال طول کشید.

تیمور همانند چنگیز (با تفاوت های) سنگ دل و بیرحم بود. جا های را که فتح میکردند با قتل و کشتار وسیع همراه بود و در بعضی جاها مردم رادرصورت که مقاومت شدید علیه آن صورت می گرفت بطور جمعی میکشت.

تیمور قسمت غربی ایران را به پسرش میران شاه سپرد. پس از مرگ تیمورمبارزه جهت بدست آوردن حاکمیت و قدرت بین باز ماندگان او شروع شد. میران شاه در جریان این مبارزات کشته شد و قسمت ایران غربی بدست قره یوسف، پیشوای قبایل ترکمنی قره قو نیلو افتاد. در طول قرن چهارده میان عده ای از قبایل جهت بدست آوردن قدرت در ایران غربی مبارزه ادامه داشت. این قبایل در حین مبارزه میان خود، علیه فشار ترکیه عثمانی نیز شدیدا پیکار می کردند.

فرهنگ در ایران آن دوره

حرفه و صنعت:

از قرن ۱۰ تا ۱۲ میلادی حرفه و صنایع دستی در ایران به مقدار زیادی رشد نموده بود. رنگ آمیزی منسوجات، گلدوزی، طلا کاری، نقره کاری، قالین بافی، تولید ظروف مسی، برنجی ونقره یی با نقش های تزیینی، صنعت کاشی کاری شهرت زیاد حاصل نمود. ظروف کلالی کاشی

کاری می شدند، مخصوصا رنگ آبی مورد پسند همه بود. هنر کندنکاری و نقاشی های مشهور ایران در ساختن قندیل ها مشاهده می شد. قندیل ها از طلا، نقره و مس ساخته می شد. که در آن انواع گلها کندنکاری و نقاشی میشد. هم چنان در مساجد محراب ها را کندنکاری و نقاشی می کردند و قندیل ها می آویختند.

ادبیات:

در قرن نهم میلادی در ایران زبان ادبی فارسی شکل گرفت. در ابتدا به زبان فارسی نو تنها آثار منظوم می نوشتند. اما از نیمه قرن دوم آثار علمی نیز به زبان فارسی نوشته میشد. شاعر عالی مقام مصلح الدین سعدی شیرازی در قرن سیزدهم م در شیراز متولد شد. سعدی سالهای جوانی خود را در آنجا گذرانید و بعد به ممالک و سر زمین های زیاد سفر کرد. سعدی استاد و دانشمندی بود که گنجینه های شعر و نثر به زبان فارسی دارد و مشهور ترین آنها گلستان و بوستان است.

یکی از شعرای بزرگ قرن ۱۴ میلادی شمس الدین محمد حافظ شیرازی بود. او نیز درشیراززندگی میکرد. حافظ زیبایی و عشق، آزادی، احساس و سرورزندگی را سروده است. او ریاکاری و دورویی را نکوهش کرده است. واعظان بی عمل و متقلب را به باد انتقاد گرفته اند. او در باره واعظان بی عمل چنین سروده است.

واعظان کاین جلوه در محراب ومنبر میکنند
چون به خلوت میروند آن کار دیگر میکنند
گوئیا باور نمی دارند روز داوری
کاین همه قلب و دغل در کار داور میکنند
مشکلی دارم زدانشمند مجلس باز پرس
توبه فرمایان چرا خود تو به کمتر می کنند

علم:

رشد تکامل علوم در ایران کمتر از رشد ادبیات و زبان نبود. اما قسمت عمده یی آثار علمی به زبان عربی نوشته شده است. زیرا زبان علمی آن دوره زبان عربی بود. و زبان عربی درکشور های اسلامی بصورت زبان بین

المللی در آمده بود. لذا مولفان آثارعلمی خود را به زبان عربی می نوشتند. تا برای همه حلقه های علمی کشور های مسلمان قابل استفاده باشد.

عالم بزرگ شرق بوعلی سینای بلخی مدت زیاد به دربار آل بویه در ری، همدان و اصفهان زندگی کرده است.

بوعلی سینای بلخی طبیب، فیلسوف، دانشمند علوم طبیعی، شاعر و موسیقی شناس بود. اثر او " القانون فی الطب " بهترین اثر طبی است که در طول شش قرن از ۱۲تا۱۷ میلادی دانشمندان طب در اروپا از آن به حیث نوت و کتاب درسی استفاده می کردند. کتاب شفا معروفترین اثر فلسفی این دانشمند است.

منجم بزرگ عالم ریاضی قرن ۱۳ خواجه نصیر الدین طوسی درشهر مراغه رصد خانه ای را با کتابخانه یی دارای ۲۰ هزار جلد کتاب ابداع کرد. در این مرکز نجومی منجمان هند و چین نیز کار می کردند. کتابخانه شهر تبریز دارای ۶۰ هزار جلد کتاب بود. در آنجا مسجد ها و مدرسه های زیاد بود که ۶-۷ هزار شاگرد در آن تحصیل

می کردند. در شفا خانه این شهر جراح، طبیبان چشم و دردیگر رشته های طب داکتران هندوستانی، چینایی، سوری، مصری کار و فعالیت می کردند.

معماری:

معماری ایران در قرون وسطی نمونه عالی صنعت معماری به حساب می آمد. اکثر یادگارهای معماری ایران تا امروز باقی مانده است. این یادگارهای فرهنگی عبارت از بناهای مساجد و مدرسه ها می باشند. مساجد جامع در قزوین، کردستان و اصفهان نمونه عالی صنعت معماری محسوب می شود.

علاوه بر بنا های متذکره مقبره های گنبددار و منارها نیز نمایندگی از رشد هنرو صنعت معماری در ایران آن عصر می کند. یکی از این یاد گارهای معروف منار مقبره قابوس در شهر گرگان است که از هنر معماری قرن یازدهم میلادی نمایندگی می کند.

مواد اصلی ساختمان در آن بنا ها خشت پخته بود. بناها درداخل و خارج با خشتهای پخته بریده تزیین و

نقاشی می شد. بعدتر بناها را با پارچه های جلادار کاشی و کاشی ها را به رنگ های مختلف نقاشی و تزیین می کردند.

امپراتوری عثمانی

ترکان عثمانی که امپراتوری عظمیی را ایجاد نموده بود نام خود را از نام رهبر جنگجوو دلاور خود گرفتند عثمان در سال ۶۷۹هجری قمری (۱۳۰۰) میلادی لقب سلطان بر خود گذاشت. از آن پس ترکان عثمانی هر روز نیرو مندتر از روز پیش میشدند. درسال ۱۳۲۶ میلادی آنها شهر بروسه، یعنی بزرگترین شهر مسیحی آسیای صغیر را تصرف کردند چند سال بعد آنها توانستند تمام سواحل آسیایی دریای مرمره و بوسفورا تسخیر کنند. آنان آنچنان سریع پیشرفتند که به زودی به ناحیه بالکان رسیدند و در آنجا شهر ادریا نوبل را که زمانی نیرو مندترین شهر امپراتور بیزانس بود تصرف کردند و آنرا پایتخت خود ساختند.

سقوط بیزانس:

ترکان عثمانی همیشه به فکر اشغال قسطنطنیه مرکز دولت بیزانس بود. سلطان محمد دوم با لشکر صد هزار نفری خود به قسطنطنیه حمله برد. او باعده ای از عسکر های خود قسطنطنیه را از طرف خشکه محاصره کرد عده دیگر عساکر ترکی به بحیره مارمورا وارد شده ارتباط شهر قسطنطنیه را با جهان خارج قطع نمودند. ترکها با توپ های پر قدرت خود دیوار های شهر را زیر آتش قرار می دادند.

ترکها بعد از ۵۲ روز محاصره این شهر را فتح کردند و در هنگام ظهر روز بیست نهم ماه مه سال ۱۴۵۳ سلطان محمد دوم که از آن پس به سلطان محمد فاتح معروف گشت وارد شهر شد. سر انجام قسطنطنیه یعنی شهری که قرن ها در برابر رومیان، آوار ها (از قوم آلتایی)، بلغار و سپاهایان خلفای عباسی مقاومت کرده بود، سقوط کرد و قسطنطنیه شهری اسلامی شد. از آن به بعد تغیرات اساسی در شیوه زندگی، نوع معماری وهنر مردم پدید آمد.طرح یونانی معماری کلیسای بیزانس با معماری اسلامی ترکیب

محمد امین وقتی که دعوت خود را برای مذهب جدید آغاز کرد و مخصوصا موقعیکه که به موعظه به ضد بت های مکه پرداخت. هیاهو و غوغای عظیمی به مخالفت با او برخاست وعاقبت از مکه به مدینه هجرت کرد. محمد ص ما فوق همه چیز مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت می کرد که خود او پیامبر او ورسول اوبود در واقع خلاصه دعوت او این جملات بود که "لااله الا الله محمد رسول الله."

هجرت پیامبر به مدینه که در آن زمان یثرب خوانده میشد مبدأ تحول عظیمی شد هر چند که دعوت اسلام کمی پیش ازهجرت شروع شد امامی توان گفت: که تاریخ واقعی اسلام از زمان هجرت وسال ۶۲۲ میلادی آغاز می گردد. هجرت پیامبر برای مسلمانان مبدأ تاریخ وتقویم می باشد که به نام تقویم هجری معروف است.

شهر یثرب آمدن محمد را مورد استقبال قرار داد وبه افتخار آمدن اونام شهر هم به مدینه النبی یعنی شهر پیغمبر مبدل گشت. که هنوز هم به همین نام معروف است.

شد. به عنوان نمونه باید گفت که کلیسای سانتا صوفیا تبدیل به مسجد گشت و نام ابو صوفیا را به خود گرفت. در این مسجد تصویر طلائی ژوستی ینان را با گچ پوشاندند و چهار مناره بر بنای اصلی آن افزودند.

فتح قسطنطنیه بدون تردید یکی از حوادث بزرگ در تاریخ و تمدن بشری است. با فتح این شهر مسیحیت یکی از بزرگترین و مهم ترین پایگاه های خود را از دست داد. و امپراتوری عثمانی رسما پایه گذاری شد. امپراتوری عثمانی از آن به بعد پر قدرت و نفوذ خود افزود و به تدریج با تسلط بر کشور ها و سر زمین های دیگر اسلامی خطر بزرگ برای اروپا شد. امپراتوری عثمانی مدت پنج قرن دوام یافت. علی رغم ضعفها و شیوه نادرست اداری و قدرت طلبی سلاطین عثمانی، باید گفت که این امپراتوری سد عظیم در قبال تهاجمات و تجاوزات غربیها بود. با افول امپراتوری عثمانی نفوذ اروپاییها روز به روز در قلمرو کشورهای اسلامی و شرقی زیاد شد و کشور های اسلامی را به تدریج تحت سلطه و انقیاد خود در آورند و این روند تاکنون ادامه دارد.

پرسشهای فصل

۱.دولت آل بویه چگونه تشکیل شد؟

۲.دولت آل بویه چگونه منقرض شد؟

۳.دولت سلجوقی چگونه تشکیل شد؟

۴.دولت سلجوقی کدام سر زمین ها را فتح نمود؟

۵.چنگیز خان که بود؟ وچگونه ظهور نمود؟

۶.چرا چنگیز خان آسیا را مورد تهاجم خود قرار داد؟

۷.تیموری ها چگونه به قدرت رسید؟

۸.فرهنگ و علوم در آن دوره در ایران تاچه حد انکشاف یافته بود؟

۹.امپراتوری عثمانی چگونه شکل گرفت؟

۱۰.ترکان عثمانی را به چه دلیل به این نام می خواند؟

۱۱.ترکان عثمانی چگونه و تا کجا قلمرو امپراتوری خود را گسترش دادند؟

۱۲.چرا بعد از ضعف و سقوط ترکان عثمانی غربی ها کشور های اسلامی را زیر انقیاد خود در آوردند؟



چین

چین تاریخ دراز وطولانی دارد.مردمان چین اولین مردمانی هستند که صنعت چاپ کاغذ را که زمینه گسترش و انتقال تفکر، علم و تمدن گردید اختراع کردند، چین در قرن سوم و قبل از آن دارای سیستم ملوک الطوایفی بود. درداخل چین دولت های کوچک موجود بود که با هم نفاق و دشمنی داشتند. این سیستم باعث شده بود که چین در قبال تهاجم کوچیهای که در شمال دیوار بزرگ چین زندگی میکردند، ضعیف و ناتوان باشد.

در اواخر قرن ششم میلادی فیودالان و روسای مختلف چین بخاطر تثبیت حاکمیت شان و ایجاد بنیه ای دفاعی در قبال تهاجمات کوچیها با هم اتحاد کردند و یک کشور واحدی بوجود آوردند.

پس از وحدت، قسمت شمالی چین ازدست کوچی ها آزاد گردید. دهقانان کانال ها حفر نمودند و بالای

دریاهای یانکتزی و هوانگهو بند های آب اعمار کردند. در زمین های که تحت آبیاری قرار گرفته بود، برنج، نیشکر و چای زرع می نمودند. در قسمت جنوبی کشور از زمین، سال دو نوبت حاصل می گرفتند.

تمرکز دولت فیودالی باعث رنج و مرارت زیادی مردمان چین گردید. زمین ها تماما تعلق به امپراتور داشت. دهقانان از دولت قطعات کوچک زمین را می گرفتند و درمقابل آن به دولت مالیه می دادند. دهقانان با زحمات زیاد از صبح تا شام بالای قطعات مربوطه ای شان کار میکردند و از زمین خوب مراقبت میکردند اما در هنگام جمع آوری محصول قسمت زیادآنرا مامورین دولت میگرفتند.

مامورین دولت به خاطر ساختن قصر ها و کاخها برای امپراطور و قلعه ها و عبادتگاهها هزاران مردم را به ضرب چوب و شلاق به کار می گماشتند.

امپراتور در قبال خدمات روسای لشکر و مامورین خود قطعات زمین را در اختیار شان قرار می دادند. در قرن ۸

میلادی آنان آزادانه به تصرف زمین های دولتی اقدام میکردند.

دهقانان دوحصه حاصل خود را به فیودال می پرداختند و یک حصه را برای خود میگرفتند این پرداخت عنوان باج را داشت. در سالهای قحطی و آب خیزی صد ها هزار دهقان می مردندو تعداد زیاد شان به کوهها و جنگلها فرار میکردند. و در آنجا با هم متحد می شدند. تا سلطه خوانین و فیودالها رابراندازند.که قیام دهقانان به رهبری هوانک چاو در سال ۸۷۵ میلادی نمونه ای از اینگونه تحرکات و قیام دهقانی است.

هوانک چاو که مرد دلیر و تیر انداز و نیزه باز ماهر بود یک قیام دهقانی را موفقانه رهبری کرد. امپراتور و نیروی های فیودالی در این گیرودار شکست خورد دهقانان به هوانک چاو مقام امپراتور را داد. چون آنان به غیر از سیستم امپراتوری سیستم دیگر رانمیشناختند. در سال ۱۳۱۱ نیرو های چنگیز خان وارد چین شد و برای مدت زیاد چین تحت حاکمیت خانواده چنگیز قرار گرفت.

تمدن و فرهنگ در چین:

در همان زمانیکه اروپا در ظلمت جهل و عقب ماندگی فرورفته بود در چین پیشرفت های شگفت انگیزی در زمینه های علم و دانش و صنعت و تجارت پدید آمده بود. وچین در تمام زمینه ها رشد و تکامل نموده بود.

رشد حرفه:

شهر های چین اکثرا درکنار راه های مهم، تجارتی و در سواحل در یاها و بحیره ها قرار داشتند. این شهر ها با دیوار های بلند احاطه شد و کوچه های،آنها با سنگ فرش شده بود. قصر های فیودالان با سر سبزی خاص از دور نمایان بود.

در قرون وسطی تولید و صنعت ابریشم در چین رشد و توسعه یافته بود. از ابریشم لباس، چتر، و تار های آلا موسیقی را می ساختند. نقاشان درروی تکه های ابریشمی صحنه های افسانوی و مناظر طبیعت را نقش می کردند. بافندگان در گلدوزی و گلکاری روی تکه چنان مهارت

داشتند که کارشان با مقایسه به اصل منظره ها کمتر فرق داشت. صنعت چینی سازی در قرون وسطی در چین پیشرفت های زیاد کرده بود. برای ساختن چینی از گلهای مخصوص و مواد کوهی کار میگرفتند. چینی سازان ماهری میگفتند: "که ظرف چینی باید مثل آئینه شفاف و مثل گل نفیس، چون نوای موسیقی خوش آواز و چون ابر در روز آفتابی درخشان باشد."

صنعت گران چینی از برونز، عاج و چوب های قیمتی اشیای گرانبهایی میساختند که از آثار برجسته هنری به شمار رفته اند. ظروف را با کندنکاری های تصاویر و سنگ های قیمتی تزیین میکردند. آهن را توسط ذغال ذوب می کردندو بعد کوره های ذوب آهن را تکامل داده فلز بیشتری استحصال میکردند.

تجارت و دریا نوردی:

تجار چین اموال و سامان تجارتی را جهت فروش به شهر های مختلف درداخل و خارج کشور حمل و نقل می نمودند. جهت فراهم کردن تسهیلات در حمل و نقل، جمتی

ها کانال بزرگی را به طول ۱۷۰۰ کیلو متر حفر کردند. این کانال در یاهایی امکتر و هوانگهو را با هم وصل میکردند. حفر این کانال به علاوه آنکه حمل و نقل را آسان کرده بود در آبیاری زمین های زراعتی نیز کمک زیاد نمود.

کاروان های تجارتی از طریق راه بزرگ ابریشم به آسیای میانه، افغانستان، ایران و بیزانس در رفت و آمد بودند. راه های تجارتی که به سواحل بحر ها ارتباط داشتند طولانی و پر مخاطره بود. اموال تجارتی گاهی توسط اشتران و زمانی توسط اسپ ها حمل و نقل میشد.

چین با ممالکی که در ساحل بحر هند قرار داشت روابط تجارتی خوبی داشت. به شهر های ساحلی چین هم تجار از ممالک دور می آمدند. اعراب در جنوب چین برای خود تجارت خانه تأسیس کرده بودند.

علم ومعارف:

جهت اداره کشور بزرگ چین دولت به اشخاص با سواد ضرورت داشت. در مکتب های شهر فرزندان فیودالان و

تجار تحصیل میکردند. برای مامورشدن هر شخص باید امتحان مشکل را سپری میکرد.

در چین کتاب های درسی در مورد عمرانات، آبیاری، زراعت وغیره چاپ شده بود. نسخه های قدیمی را در کتابخانه ها خیلی دقیق حفظ میکردند. طبیبان در چین از گیاهای مختلف دوا تهیه میکردند. عملیات جراحی را انجام می دادند.

و برای چیچک واکسین اختراع کرده بودند. (اختراع واکسین و غیره از دست آورد های مهم آنها به شمار می رود.)

چینی ها به تاریخ کشور شان علاقه زیاد داشتند. دراین مورد ضرب المثلی داشتند که میگویند:" گذشته را فراموش مکن، زیرا گذشته معلم آینده است."

. چینی ها آثار مورخان قدیم را جمع آوری و نگهداری میکردند و همچنان فرمان های امپراتوران و سایر اسناد را مدون میکردند. سفر های بحری چینی ها در اکتشاف جغرافیا کمک نیز ... مساحات ... زیادی سفر

میکردند. در یا نوردان نقشه های سواحل بحری آسیای جنوب شرقی را تهیه و ترتیب کرده بودند.

چینی ها کوشش میکردند را ههای آبی سواحل جنوب آسیا را تحت نفوذ خود بیاورند. کشتی های چینی به جزایر زونده ملوک، هندوستان، ایران، و جنوب عربستان رفت و آمد داشتند. در جریان یکی از سفر ها در یا نوردان تا ساحل شرقی افریقا نیز رسیدند سفر های دریایی در انکشاف در یا نوردی کمک کرد. و چینی ها را به بسیاری از کشور های دیگر آشنا ساخت.

اختراعات:

چینی ها مرکب "سیاهی" و کاغذ را اختراع کردند. فن چاپ را نیز چینی ها اختراع کردند. کلمات را بالای تخته ها حک و بعد بالای آنها رنگ زده و سپس آنها را روی کاغذها گذاشته عمل چاپ را انجام دادند. در قرن ۱۱ میلادی حروف علیحده و قابل وصل را اختراع نمودند و طریقه ساده تر چاپ رارواج دادند.

اهالی مدینه که به محمد کمک دادند به نام انصار وکمک کنندکان مشهور شدند واولادان واعقاب این انصار به این عنوان خود افتخار می کردند وحتی هنوز هم افتخار دارند.

محمد ص هشت سال پس از هجرت پیروزمندانه به مکه باز گشت. حتی پیش از تسخیرمکه، ازهمان شهر مدینه پیامی برای حکمرانان و پادشاهان جهان فرستاد وآنها را به قبول وجود خدای یگانه ورسالتش دعوت کرد. هراکلیوس امپراتور قسطنطنیه در موقعی این پیام را در یافت دانست که هنوز در سوریه با ایرانیها در حال جنگ بود. پادشاه ایران نیز این پیام را در یافت.

از فرستادن همین پیامها میتوان تصور کرد که محمد چه اعتماد و اطمینان فوق العاده ای به خود وبه رسالتش داشته است. و توانست همین اعتماد وایمان را در مردم کشورش نیز به وجودآورد وبه آنها الهام ببخشد، بطوری که آن مردان بیابانگرد توانستند بدون دشواری برنیمی از جهان معلوم آن زمان مسلط گردند.

وتربیت باید جایگاه وارزش فوق العاده را قایل شد ودروازه های مکاتب را بروی فرزندان وطن بدون تبعیض باز نگهداشت، کتب درسی مفید را تهیه، اساتید مسلکی ومجرب را تربیه واطفال را از کارهای شاقه وممنوعه وجبهه های جنگ بطرف تعلیم وتربیه سوق داد.

بادرنظرداشت این اهداف همتا با حد اقل امکانات وکادرمسلکی ومتخصص اقدام به تدوین نصاب تعلیمی هدفمند نموده است، گرچه این نصاب تعلیمی همانند سلف خود خالی از نقص ومعایب نخواهد بود، اما اینکارباعث پیشرفت وجرأت بخشیدن به کادرهای علمی وتربیتی است که استعداد وخلاقیت شانرا در آگاه ساختن نسل آینده بکارگیرند.

قابل ذکر است که همتا در زمینه نقش همکار ومشوق را بخود قایل است، طوریکه اساس این طرز تفکر بر ایجاد آگاهی اجتماعی استوار میباشد که در شکل مفید آن فقط میتواند بکمک تعلیم وتربیه سالم صورت گیرد واز همین طریق منطق، استدلال، تفاهم، ایجاد روحیه برادری وبرابری را در جامعه پایه ریزی میکند.

در نصاب تعلیمی قبلی، مضامین دینیات و قرآنکریم از صنف اول وتاریخ از صنف چهارم به تدریس گرفته میشد. اکنون به این نتیجه رسیدیم که دینیات از صنف چهارم، وتاریخ از صنف هفتم عاری از تکرار مکررات تدریس شود.

تدوین وتدریس مضمون روابط اجتماعی ومردم شناسی افغانستان جهت آگاهی شاگردان از فرهنگ وخصوصیات مردم،.ایجاد روحیه برادری، برابری وهمزیستی نیک اقوام در خانه مشترک "وطن" از صنف هفتم الی دوازدهم در نظر گرفته شده بود. برای تدوین آن از سال ۹۵ میلادی تاکنون تلاش مستمر وپیگیری انجام گرفت، از آنجایکه موضوع قبلاً درکشور مطرح نگردیده، کادر علمی درین بخش تربیت نشده ودر خارج از کشور نیز برای مردم شناسی افغانستان کار مفیدی صورت نگرفته است، لذا تازه بودن موضوع در محدوده، کار فرهنگی-تعلیمی و فقدان امکانات مالی سبب شد تا به تدوین آن موفق نشویم.

مضمون صحت ومحیط زیست با هدف ایجاد اولین پایه های یک نظام وقایوی عمومی در جامعه طرح شده که در ارتباط زنجیره ای با مضمونهای بیولوژی، علوم طبیعی، کیمیا، فزیک وجغرافیا قرار دارد. متقابلاً مضمونهای عربی، دینیات وقرآنکریم تحت نام اسلامیات برای فهم و درک بهتر وصحیح ترشاگرد از دین، مفاهیم دینی وقرآن تدوین شده است، نه اینکه هرکدام بخودی خودش یک مضمون مجرد وانتزاعی باشد.

سیر علمی، ورزش "تربیت بدنی"، رسم و حرفه که قبل براین فقط ساعتی را بخود اختصاص میداد وآنهم تابع ذوق وسلیقه استاد بود با محتوای معین مضامین وساعات درسی به کتب ودستور العمل اجرائی تدوین شده است.

برای تثبیت نقش وحق ابراز وجود شاگردان درین نصاب تعلیمی از صنف هفتم الی دوازدهم ساعتی اختصاص داده شده تانظریات شانرا ابراز ودر نظام تعلیمی جایگاهی داشته باشند.

مضافاً براین، کتابهای نصاب تعلیمی حاضر با درنظرداشت معیارهای ذیل تدوین گردیده.

- نصاب تعلیمی موجوده با پایه های روستایی "دهاتی" تدوین شده و شاگردان دهات وشهری را در صنف های چهار وپنج اشتراک سویهٔ میسازد.
- هرکتاب اهداف مشخصی از کل اهداف نصاب تعلیمی را در خود دارد و دروس آن:

۱.بصورت سیستمتیک از ساده به مغلق، از معلوم به مجهول، از تصورات به مفاهیم و براساس توانمندی علمی وعملی شاگردان.

۲.منطبق با واقعیت های محیط ویا بعبارت دیگر قابلیت نمایش آن در سازگاری با محیط است.

۳.انکشاف دهندهء ذهن شاگرد، نه تبدیل ذهن شاگرد به انبار معلومات.

۴.منتقل کنندهء صلاحیت های مشخص.

۵.عملی نه مجرد وانتزاعی.

۶.مبتنی برفاکتهای انکار ناپذیر نه ایجاد بی باوری به اصل تعلیم وتربیه در شاگرد.

۷.پل ارتباطی محیط درسی با محیط اجتماعی.

واما اخیراً این سلسله کتب با در نظرداشت موارد زیر مورد تجدید نظر متخصصین قرار گرفته است.

۱.ارزیابی کتب و دروس در مقابله با اهداف علمی وتربیتی، سیستمتیک بودن کتب و دروس،

۲.بررسی اغلاط چاپی و علمی، قابلیت فهم موضوعات، توحید اصطلاحات، تطبیق مثالها واشکال با متن و صحت فورمول بندی مفاهیم.

حصول تعلیم وتربیه هدفمند متکی به سه اصل اساسی کتاب، معلم ومحیط درسی است. یادرنظرداشت این موضوع هرچند به کیفیت کتاب افزوده شود، متقابلاً نیاز است

معلم باصلاحیت نیز تربیه شود و محیط آموزشی متناسب به این دو بوجود آورده شود. اضافه بر این دسترسی آزادانهٔ همه بدون قیودهای مرئی ونامرئی به تعلیم وتربیه هم حق همهٔ افراد جامعه است که نباید به فراموشی ویانادیده گرفته شود.

لازمست یاد آوری نمایم که:

این کتابها گنجایش وظرفیت برای بهتر شدن را دارد، وخالی از اشکال نیست، از تمامی علم -فرهنگ وتعلیم وتربیت دوستان تقاضاداریم که راهنمائی های شانرا در جهت بهتر شدن کیفیت این کتاب ها دریغ نفرمایند، چه این راهنمائی ها حق نسل آینده است، ملکیت شخصی بزرگان اندیشه نخواهد بود.

کتابهای نصاب تعلیمی همتا در یک محدودهء زمانی کوتاه و محصول کار گروپی است، ذکری از اسامی تدوین کنندگان مضامین در چاپ اولیهٔ کتابها صورت نگرفته واینک تفکیک آن مشکل بنظر میرسد، لذا از محترم داکتر یوسفی، انجنیر حیدری، انجنیر امینی، پوهندوی یوسفی، استاد حکمت، انجنیر کاریار، استاد انگار، انجنیر ناصری، آقای ربانی، حصارنائی، محمد کبیر سلطانی، صلاح الدین سلطانی، محترمهٔ نسرین سلطانی، ذبیح الله سلطانی، ملیحه گلستانی، نعمت الله سعیدی زاده و غلام علی که در تدوین، تایپ وکمپوز کتابها تحت نظر کمیتهٔ تدوین نصاب تعلیمی همتا سهم فعال داشته اند، ابراز تشکر وقدردانی نموده موفقیت روز افزون شانرا در تربیت نسل آیندهء کشور از خداوند منان خواستارم.

بجاست که از همکاری آقای جلال اوحدی در تهیهٔ مدارک ومنابع تاریخی بصورت خاص تشکر وسپاسگزاری نمایم.

دراخیر دوستانی که ما را با راهنمایهای مفید وسودمند خویش درجهت تدوین کتب یاری نموده تشکرمیکنیم، از خداوند موفقیت شانرا خواهانیم، امید واریم از این به بعد نیز مارا از راهنمایهای خویش بی بهره نسازند.

محدودیت امکانات مالی مانع از آن میشود که این سلسله کتب در دسترس همهٔ هموطنان قرار گیرد، تلاش برای رفع این نقیصه صورت میگیرد، امید بار دیگر بتوانیم با تیراژ بیشتر این سلسله کتب را چاپ نمایم.

باسپاس وامتنان فراوان

انجنیر عبداللهی

دایریکتر همتا

مقدمه:

اندیشه پردازان تاریخ، آنهایی که تاریخ را نه تنها مجموعهء پدیده ها، واقعه ها، فعل وانفعالات، طلوع وافول تمدنها، جامعه هاو.... می پندارند، بلکه تاریخ را به علاوهء اینها "علم شدن انسان" نیز میدانند، معتقدندکه تاریخ عبارت است از سیر تکاملی انسان. این سیر تکاملی با دیگرگونی ها، رستاخیز ها وفراز ونشیب های که در پی داشته ودارند، به دست توانمند انسان بوجود آمده وبوجود خواهند آمد.

طبق این نظر همانطور که انسان با ابزار علمی وبادرنظرداشت قانون علت ومعلول میتواند تحولات هوا، وقوع طوفان، ابر وباران را پیش بینی کند، بادانش تاریخی میتواند سیر حرکت تاریخی را کشف کند وباکشف آن راه را برای ارتقا وتکامل کشور ومردم خود در ساحه های مختلف هموار نماید.

در تدوین تاریخ کمیته تدوین نصاب تعلیمی همتا با در نظرداشت این مسئله تنها به ذکر واقعه های تاریخی "به استثنای کتاب صنف هفتم" وبیان رویدادها وفعل وانفعالات، هجومها، غارت ها و.... نپرداخته اند، بلکه کوشیده اند تا در کنار واقعه های تاریخی، بخاطر ایجاد بینیش تاریخی، تحلیل تاریخی نیز عرضه دارد، تا یک شاگرد ضمن آشنایی با رویداد های تاریخی با دانش تاریخی نیز آشنا شود وبا این آشنایی بداند که تاریخ چیست؟ چگونه خط سیر دارد؟ وباکشف خط سیر آن چگونه برنامه أی برای عروج علمی وغنای تاریخی وفرهنگی طرح گردد.

در این کتاب که در تسلسل کتاب صنف هفتم قرار دارد تا حدی هر دوجنبه رعایت شده است. در کتاب صنف هفتم با وقایع وحوادث ورویدادهای تاریخی قرون قدیم آشنای حاصل گردید، درین کتاب "صنف هشتم" وآرد قرن وسطی می شویم.

چنانچه در این کتاب مطرح شده است اروپای قرون وسطی با جهان شرق در قرون وسطی "خصوصاً کشورهای اسلامی" در بسا جهات تفاوتهای داشته است. اروپای قرون وسطی دارای زیربنای اقتصادی فئودالیسمی از نوع خود بود. درین نظام اقتصادی، بزرگ مالکانی وجود اشتند با رسوم وسنت های اشرافی وتضاد ارباب رعیتی. این نظام با چنین شاخصه های اقتصادی وطبقاتی همانطوریکه دارای تولید وتوزیع بسته بود دارای جهانبینی وتفکر بسته نیز بود. در کادر چنین جهانبینی ذریعهء مسولیان رسمی کلیسا اخلاق، فلسفه، سنت ها وقوانین بوجود می آمدند که تضاد ارباب رعیتی وفاصله های طبقاتی را توجیه فرهنگی کنند وبا ایجاد چنین منظومه، فکری واخلاق برخوز

داری عده أی را موهبت فطری وفقر وفلاکت اجتماعی را نیز منشاء مشیتی وجبری می بخشیدند.

وجود چنین نظام اقتصادی با روپوش ارتجاعیت فکری کلیسا بود که طی هزار سال جلو هرگونه خیزش علمی وفرهنگی وآزادی فکری را بر روی اروپا بسته ودانشمندان رابه جرم گستاخی اندیشه وبخاطر کشفیات جدید علمی به تکفیر وارتداد نموده بود.

درست در این زمانی که دراروپا نظام کلیسا به عنوان یک نظام استبدادی با تکیه بر دین در مقابل علم ودانش وتمدن ایستاده بود، ما در شرق تمدن پیشرفتهء مسلمین، چین، هند وغیره را داشتیم در این کتاب خواهی دید که آیین مقدس اسلام چگونه ظهور وگسترش یافت؟ وچگونه در آن مقطع تمدن بزرگ وباشکوهی را بوجود آورد؟ آزادی فکری وآزادی مذهبی را تا دورترین نقطه جهان آنروز گسترش دادند ودر پرتو گسترش چنین آزادی ها بود که در ایران، افغانستان، هندوستان وسایر جاها تمدن بزرگ بوجود آمدند. همینطور در این کتاب مطرح گردیده است که در همان زمانیکه اروپا در دریا ظلمت وجهل وعقب ماندگی فرورفته بود، در چین پیشرفت های بزرگی در زمینه علمی ودانش وتجارت پدید آمده بود.

معلمین محترم با درنظرداشت خط سیر کلی این دوره تاریخی، باید این زمینه فکری را برای شاگردان ایجاد نمایند که علت پیشرفت شرق وکشورهای اسلامی وعلت عقب ماندگی کشورهای اروپایی را در آن مقطع تاریخی وبالعکس عقب ماندگی شرق وعروج علمی وصنعتی غرب را در دورهء معاصر تجزیه وتحلیل کنند وبا استفاده از مجموعهء این تجربه های تاریخی فکر- حرکت کردن در مسیر قطع وابستگی وغنای فرهنگی- تاریخی وخود کفایی ملی را از آغاز در نهاد خود بپرورانند.

کمیتهٔ تدوین نصاب تعلیمی همکاران ترقی اجتماعی-همتا با در نظرداشت امکانات خود رهنمائی نهایت مختصر جهت تدریس این کتاب تدوین نموده است. اساتید کرام که تدریس تاریخ صنف هشتم را بعهده میگیرند از این جزوه استفاده کرده میتوانند.

در اخیر از تمامی معلمین ومعلمات محترم، اولیای محترم شاگردان وصاحب نظران محترم امیدواریم نظریات وارشادات مفید وارزشمند خویش را باکمیتهٔ تدوین وترتیب نصاب تعلیمی همتا درجریان گذاشته، کمیته را در اصلاح مجدد کتاب یاری رسانند.

ومن الله توفیق

بخش علوم اجتماعی

کمیتهٔ تدوین نصاب تعلیمی - همتا

بنام خداوند جان و خرد

همکاران ترقی اجتماعی-همتا
برنامه ارتقای آگاهی اجتماعی
بخش تعلیم و تربیه

تاریخ

صنف هشتم



تهیه و تدوین: کمیته تدوین نصاب تعلیمی

بسم الله الرحمن الرحیم

همکاران ترقی اجتماعی-همتا
برنامه ارتقای آگاهی اجتماعی
بخش تعلیم و تربیه

تاریخ

صنف هشتم



تهیه و تدوین: کمیته تدوین نصاب تعلیمی

شناسنامهء کتاب:

نــــــام: تاریخ

صــــنف: هشتم

تهیه و تدوین: کمیتهٔ تدوین نصاب تعلیمی
برنامه ارتقای آگاهی اجتماعی - همتا

کــــمپوز: خدمات نشراتی کاتب و ابسته به همتا

چــاپ اول: سال۱۳۷۵

چــاپ دوم: سال ۱۳۷۸

تعداد چــاپ: ۱،۰۰۰جلد.

فهرست مطالب تاریخ برای صنف هشتم

#	عنوان	صفحه
۱.	فهرست مطالب	ا
۲.	پیشگفتار	ج
۳.	مقدمه	ز
۴.	فصل اول، عربستان	۱
۵	وضع اعتقادی	۲
۶	وضع اجتماعی	۳
۷.	وضع اقتصادی	۴
۸	ظهور اسلام	۵
۹.	زندگی حضرت محمد ص از ولادت تا بعثت	۶
۱۰.	تولد حضرت محمد ص	۶
۱۱.	پیمان جوانمردان	۱۲
۱۲.	اسلام از بعثت تا وفات پیامبر اکرم ص	۱۳
۱۳.	آغاز پیامبری	۱۳
۱۴.	هجرت به حبشه	۱۷
۱۵.	محاصره اقتصادی	۱۸
۱۶.	هجرت پیامبر اکرم "ص" به مدینه	۲۰
۱۷.	ورود رسول خدا به مدینه	۲۱
۱۸.	نخستین پایگاه اسلام	۲۲
۱۹.	پیوند برادری	۲۳
۲۰.	برخورد های نظامی، جهاد در راه خدا	۲۴
۲۱.	غزوه بدر	۲۶
۲۲.	غزوه احد	۲۹
۲۳.	غزوه خندق (احزاب)	۳۱
۲۴.	صلح حدیبیه	۳۲
۲۵.	فتح مکه	۳۴
۲۶.	غزوه تبوک	۳۵
۲۷.	وفات حضرت پیامبر اکرم	۳۶
۲۸.	فصل دوم، دورهء خلافت	۴۱
۲۹.	امویها ۶۶۱ تا ۷۵۰ میلادی	۴۲
۳۰.	عباسیها	۴۴
۳۱.	فرهنگ وتمدن اعراب	۴۶
۳۲.	انکشاف علم	۴۶
۳۳.	مدارس و کتابخانه ها	۴۷
۳۴.	هنر	۴۸
۳۵.	تاریخ وحکمت	۴۹
۳۶.	اروپاییها ازمسلمین استفادهء علمی بردند	۵۱
۳۷.	فصل سوم، اروپا	۵۴
۳۸.	همکاری کلیسا ولردها	۵۹
۳۹.	جنگهای صلیبی	۶۰
۴۰.	تهاجم صلیبیون	۶۴
۴۱.	مبارزه مسلمانان برای رهایی بیت المقدس از دست صلیبیون	۶۶

#	عنوان	صفحه
۴۲.	تأیثر جنگهای صلیبی بر اروپا	۶۷
۴۳.	انگزیسیون یا محکمه تفتیش عقاید	۶۸
۴۴.	فصل چهارم، ایران از قرن ده تا پانزدهم میلادی	۷۳
۴۵.	دولت آل بویه	۷۳
۴۶.	تصرف قسمت شرقی ایران	۷۵
۴۷.	تشکیل دولت سلجوقی	۷۷
۴۸.	ظهور چنگیز خان	۷۸
۴۹.	تیموریها در ایران	۸۲
۵۰.	فرهنگ در ایران آن دوره	۸۳
۵۱	حرفه و صنعت	۸۳
۵۲	ادبیات	۸۴
۵۳	علم	۸۵
۵۴	معماری	۸۷
۵۵	امپراتوری عثمانی	۸۸
۵۶	سقوط بیزانس	۸۹
۵۷	فصل پنجم، چین	۹۲
۵۸	تمدن و فرهنگ در چین	۹۵
۵۹	رشد حرفه	۹۵
۶۰	تجارت و دریا نوردی	۹۶
۶۱	علم ومعارف	۹۶
۶۲	اختراعات	۹۹
۶۳	معماری و رسامی	۱۰۰
۶۴	فصل ششم، هند	۱۰۳

#	عنوان	صفحه
۶۵	تأسیس دولت های اسلامی درهند	۱۰۴
۶۶	اقتصاد و فرهنگ	۱۰۶
۶۷	روابط با ممالک دیگر	۱۰۷
۶۸	انکشاف علم و هنر	۱۰۸
۶۹	خدمات علمی و فرهنگی حکمرانان مسلمان هند	۱۱۰
۷۰.	تاریخ نویسی	۱۱۱
۷۱.	نقاشی	۱۱۵
۷۲.	خط نویسی	۱۱۷
۷۳.	معماری	۱۱۸
۷۴.	فصل هفتم، روسیه	۱۲۳
۷۵.	هجوم قوم مغول	۱۲۵
۷۶.	مسکو پایتخت روسیه میشود	۱۲۷
۷۷.	مسکو جای رم شرقی را میگیرد	۱۲۹
۷۸.	فصل هشتم، جاپان	۱۳۵
۷۹.	اقوام اولیه جاپان و مذاهب آنها	۱۳۷
۸۰	آغاز استقلال فرهنگی	۱۴۵
۸۱	طوفان بزرگ	۱۴۵
۸۲	ضعف و سقوط فیؤدالیزم در جاپان	۱۴۶
۸۳	ماخذ	۱۵۰

پیشگفتار

در آنروزهایی که پایان حضور ارتش روس در افغانستان پیش بینی میشد، براین باور بودیم که تنها راه خروج کشور ما از مهلکهٔ جنگ، ویرانی، کشتار بیرحمانه، نابودی فرهنگ و تمدن با رشد و تقویت آگاهی جامعه، رفع فقر ونابودی جهل وبیسوادی حاکم بر جامعه میباشد وبس وبا همهٔ نیرو درین راستا باید اقدام کرد.

اکنون باگذشت بیش از یازده سال این باور درما تقویت بیشتریافته است. در آنروزگار ما با پشتوانه همین اعتقاد "گروپ امداد خراسان" را براه انداختیم وپس از شش سال تجربه آنرا به همکاران ترقی اجتماعی "همتا" ارتقا دادیم.

مکتب توحید کنونی در قریهٔ تمکی ولسوالی قره باغ را با استفاده از کتب نصاب مرکز تعلیمی افغانستان در سال ۹۰ میلادی آغاز نمودیم سپس با همکاری معدودی از نیروهای آگاه، دردمند، متعهد ومتخصص تعلیم وتربیت آنرا تبدیل به کتب جدیدی ساختیم که اینک پس از تجدید نظروبررسی مجدد برای یک نظام بهتر تعلیم وتربیت هدفمند در دسترس علاقمندان قرار میگیرد.

در آغاز بر این باور نبودیم که نصاب تعلیمی صنوف اول الی دوازدهم را با امکانات محدود خود تدوین وکتب آنرا چاپ ودر دسترس علاقمندان قرار دهیم، اما باگذشت زمان ونداشتن نصاب تعلیمی هدفمند، کتب تدریسی و فقر فرهنگی مزمن برآن شدیم تا کتب صنف های اول الی دوازدهم را که برای تربیت نسل آینده تهیه وتجدید نظر شده است، تدوین کنیم.

تعلیم وتربیه هدفمند کلید انکشاف اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی بوده ویگانه وسیله برای ابراز شخصیت انسانی واجتماعی ملل واقوام شناخته شده است. تیکنالوژی معاصر بشر را قادر ساخته است تا وقایع، حوادث وآخرین دست آوردهای علمی-تخنیکی را به اسرع وقت به نقاط مختلف جهان بکمک شبکه های اطلاعاتی و انترنیت انتقال دهد ویا با بزرگترین کتابخانه ها رابطه برقرار ساخته واز کتب آن روی همین شبکه استفاده نماید. اکنون جهان در آستانه قرن بیست ویک قرار داشته واز آخرین دست آوردهای علمی در عرصه های مختلف استفاده بعمل می آید.

افغانستان نمیتواند جدا از جامعه جهانی با مسدود کردن مکاتب، بدون استفاده از وسایل وتجهیزات مدرن تخنیکی وبدور از تمدن، فرهنگ، علوم وتیکنولوژی معاصر به صنعتی ساختن، رفاه اجتماعی، عمران وانکشاف مملکت نایل گردد. لهذا برای تعلیم